



پیام فدائی

روزک بر امپریالیسم
و سنگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

پهء ۵۰ ریال

آذر ۶۵

سال اول شماره ۵

درگیریهای حزب دمکرات و کومله و ضرورت آتش بس بدون قید و شرط

دو سال از ۲۵ آبان سال ۶۳ که درگیریهای حزب دمکرات و کومله آغاز شد، میگذرد. دو سال گذشت بدون آنکه آتش بس بین طرفین برقرار گردد تا در پرتو آن مذاکرات در جهت دستیابی به اصول ناظر بر روابط دوسا ز میان در کردستان شروع شده و نهایتاً با برقراری صلح، توان هر دو سازمان کاملاً در جهت قریبه زدن هر چه بیشتر بر پیکر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کاتالیزه گردد.

وجود این جنگ در این دو سال، آنهم بین دوشیروی مهم جنبش خلق کرد بدون شک بیشترین منافع را برای رژیم

بقیه در صفحه ۵

جنگ و نقش امریکا و اسرائیل در آن

بیش از ۶ سال از جنگ امپریالیستی ایران و عراق میگذرد. جنگی که صدها هزار نفر از جوانان دو کشور را در سلخ گامهای خودیه خاک و خون کشیده است. جنگی که از لحاظ حجم کاربرد سلاح و مهمات و از لحاظ وسعت و شدت بعضی از نبردها بیش با جنگهای جهانی مقایسه گردیده است.

این جنگ را امپریالیستها برای فائق آمدن بر بحرانهای اقتصادی خود در مقابل جنبشهای انقلابی در منطقه سازمان داده اند و درست به همین اعتبار هم جنگی امپریالیستی است. گرچه جنگ مستقیم امپریالیستها بنا بکدیگر نباشد.

بقیه در صفحه ۲

فریگاری "آدامه کدام روش؟

فرجام کدام تفکر؟

صفحه ۱۲

برگزیده هائی از

آداب و خدای چریکها

صفحه ۲۲



جنبش انقلابی و مساله

آوارگان صفحه ۷

نکته ها و گفته ها

صفحه ۳۵

اخبار صفحه ۲۰

شهادت آفرماه

چریکهای فدایی خلق ایران

صفحه ۳۶

روزنامه آفرماه

نقشه ۶۶

صفحه ۱۸

اطلاعیه چریکهای فدایی خلق ایران

در رابطه با جاری شدن سیل در مناطق جنوبی کشور

صفحه ۱۰

امپریالیستها برای غارت هر چه بیشتر خلق ماداند آنها را تیز کرده اند

صفحه ۲۸

مقاومت زندانیان سیاسی جلوه ای از مقاومت قهرمانانه خلق ماست

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

جنگ و نقش

امریکا و اسرائیل در آن

از صفحه ۱

امپریالیستها به بها نه وجود این جنگ خاورمیانه را به دژی نظامی مبدل ساخته اند، دژی که زرادخانه اش بوسیله غارت و استثمار کارگران و توده های ستمدیده این منطقه، و در جهت رونق صنایع نظامی امپریالیستها و زراندوزی هر چه بیشتر آنها انباشته شده است. در نتیجه جنگ ایران و عراق بر اساس ماهیت امپریالیستی اش بر علیه منافع خلقهای دو کشور بوده و کمترین سودی برای توده های محروم این کشورها در بر نداشته و ندارد؛ و بهمان نسبت که خلقهای دو کشور در این جنگ فقر و فلاکت و ویرانی نصیبشان شده به همان نسبت، ما، انحصارات امپریالیستی فربه تر گشته اند، امپریالیستها به برکت این جنگ کثیف جیبهای گشاد خود را پر ساخته و در جهت فائق آمدن بر رکود اقتصادی شان گام برداشته اند.

طی ۶ سال گذشته بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم کوشیده اند نخست و بیش از هر چیز ماهیت این جنگ را لاپوشانی کرده و در نتیجه نقش اصلی و دستهای خون آلود مسبب واقع جنگ را به این وسیله از انظار توده ها پنهان سازند. شعار و موضع ظاهر امپریالیستها در این جنگ با اصطلاح بیطرفی است؛ و در حالیکه هر روزه سیل عظیم سلاحهای جنگی و محمولات نظامی را به دو کشور درگیر سر از زیر سینه آنها صادر تبلیغات عوامفریبانه خود تداوم این جنگ را علیرغم تمایلشان ارزیابی کرده و میگویند

چنین جلوه دهند که همه تلاش آنها در جهت پایان بخشیدن به این جنگ معطوف گشته است. جنگی که اگر سلاحهای امپریالیستها به میدانهای خونین آن سرریز نگردد مفهوم خود را از دست داده و بدون شک سریعاً ختم میگردد.

در این میان آنچه تماشایگر از هر مسئله ای است نقش رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در پیشبرد این جنگ میباشد. رژیمی که در اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه، کشور ما را به صحنه جنگی چنین ویرانگر تبدیل نموده است و در همان حال وقیحانه در چهارچوب سیاست امپریالیستها و منافع اربابانش میکوشد با هیاهوهای با اصطلاح فدا امپریالیستی و فدا امریکائی، اذهان توده ها را مشوب ساخته و افکار عمومی را نسبت به درک ماهیت جنگ فریب دهد. و البته نباید فراموش کرد که در این سالهای طولانی تداوم جنگ، سازشکاران و اپورتونیستها نیز به اشکال گوناگون او را در اجرای این هدف ضد مردمی اش یعنی فریب توده ها یاری داده اند. چه آن زمان که زیر پیپرق "دفاع از میهن" که هیچ مفهومی جز دفاع از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و منافع سرمایه داران وابسته و امپریالیستها نداشت این جنگ را تأیید میکردند و حتی در صفوفش میجنگیدند، و چه زمانی که با اتکاء به تحلیلهای غیر علمی خود برای جمهوری اسلامی استقلال سیاسی قائل شده و ماهیت

امپریالیستی این جنگ را انکار و کتمان کرده و طبقه کارگر و خلقهای ما را دست بسته در زیر تهاجم وحشیانه تبلیغاتی رژیم رها کرده و در کشاندن آنان به مسلخ گاههای جنگ امپریالیستی تشجیع مینمودند، و چه حال که با اشاعه ایده های انحرافی در رابطه با ماهیت و انگیزه های تداوم جنگ همچون اصرار جمهوری اسلامی بر "مدور انقلاب اسلامی" یا "پان اسلامیم" و یا خصوصیت "کشورگشائی" سران رژیم عملاً به چشم طبقه کارگر و خلقهای ما میریزند.

در هر صورت اپورتونیستهای وطنی ما در این باره کاری نمیتکنند جز اجرای وظیفه تاریخی که همانا اتلاف انرژی انقلابی طبقه کارگر میباشد. در حالیکه در واقعیت تداوم این جنگ تنها وابسته بوده و هر لحظه که امپریالیستها احساس کنند این جنگ دیگر بر علیه منافع آنها چرخش پیدا کرده است، همان روز شعله های این جنگ و پراکنگر علیه همه هیاهوهای جمهوری اسلامی مبنی بر "جنگ جنگ، تارفع فتنه در عالم" خاموش میگردد.

آن نیروهای که به انحاء گوناگون به جای امپریالیسم، جمهوری اسلامی مستقر از امپریالیسم راضی گردان این جنگ قلمداد میکنند و فکر میکنند که مثلاً جمهوری اسلامی میتواند با بسیج فلان قدر نیرو، کار این جنگ را یکسره سازد و یا با بمباران فلان مرکز نفتی، این رژیم از ادامه جنگ باز میماند، از آنجا که ماهیت واقعی و چهره گردانندگان اصلی این جنگ را نشناخته اند تحلیلها و سخن پراکنی ها ایشان

تنها باعث توهم و سردرگمی هرچه بیشتر توده ها و تطهیر چهره امپریالیسم میگردد.

مهمترین و اساسی ترین وظیفه کمونیستها قبل از هر چیز شناخت صحیح ماهیت این جنگ و آگاه کردن توده ها نسبت به آن است. در نتیجه درک ماهیت امپریالیستی این جنگ و اشاعه این نظر در میان کارگران و زخمیگشان اولین وظیفه کمونیستها در جنگ کنونی بوده و میباشد. امری که اپورتونیستهای رنگارنگ وطنی ما از درک آن عاجز بوده و هستند.

همانطور که گفتیم این جنگ در جهت منافع امپریالیستها و به وسیله آنها سازمان داده شده است و امپریالیستها به یمن همین جنگ و برانگیز سوده های کلانی رابه جیب زده اند و در همان حال میکوشند تا نقش خود را در هدایت این جنگ از انظار توده ها پنهان ساخته و مماثلت و بدبختی های جنگ را صرفا بدو کشور درگیر منتسب نمایند.

حال با توجه به آشکار شدن بخشی کوچک از روابط امریکا و جمهوری اسلامی و افشای نقش امریکا در صدور اسلحه به جمهوری اسلامی، یعنی تا مین سلاح برای میدانهای این جنگ و برانگیزه برورسی گفته های خود میپردازیم تا بار دیگر درستی تحلیل ما هیئت امپریالیستی جنگ را خاطر نشان سازیم.

امریکا یعنی یکی از اصلیترین صحنه گردانهای این جنگ امپریالیستی در ۶ سال گذشته همیشه کوشیده بود تا موضع باصلاح بیطرفانه خود را در این جنگ به افکار عمومی جهان القاء نماید. و بارها رسماً اعلام کرده بود که به

جمهوری اسلامی اسلحه نمیفروشد و در ضمن بنا به دلائلی چند در امریکا قوانینی به تصویب رسانده بودند که فروش اسلحه به جمهوری اسلامی را ممنوع میساخت و حتی گهگاه در امریکا افرادی رابه جرم کوشش در جهت فروش اسلحه به جمهوری اسلامی دادگاهی و محکوم نموده بودند. اما اکنون که با حدت یابسی تضادهای درونی امپریالیستها مسئله ارسال اسلحه امریکا به ایران و سفر هیئت امریکائی به تهران از پس پرده بیرون افتاد، و هر روز هم که میگذرد مسائل تازه ای در این رابطه آشکار میشود بیشک مسئله ابعاد جدید تری مییابد.

آن جناحهایی از سرمایه داری جهانی که با سیاستهای ریگان به مخالفت برخاسته اند اینک مسئله فروش اسلحه به جمهوری اسلامی را - که تا دیروز بمثابه مرکز تروریزم دولتی می نامیدندش - رابه دستاویزی برای حمله به ریگان و ریگانیزم مبدل کرده اند. از سوی دیگر مسئله سفر هیئت

امریکائی به تهران و فروش اسلحه به جمهوری اسلامی چه از زاویه اصطلاح "غیرقانونی" بودن این مسئله و چه در رابطه با قوانین امریکا و چه از زاویه ارسال بخشی از جوه بدست آمده برای ضدا انقلابیون تحت حمایت هیئت حاکمه امریکا در نیکاراگوئه به موضوعی داغ در امریکا تبدیل گردید. این مسئله تا آنجا پیش رفته است که اکنون اصطلاح "ایران گیت" را بر اساس "واترگیت" برای توضیح ابعاد بحرانی در ایالات متحده بکار میبرند.

گرچه حدت یابی تضادهای جناحهای امپریالیستی تنها بخش کوچکی از روابط پنهانی امریکا

و جمهوری اسلامی را آشکار ساخته است ولی باز هم تبلیغات امپریالیستی میکوشد با مستقل جلوه دادن جمهوری اسلامی این روابط را تنها به ۱۸ ماه گذشته محدود ساخته و این مسئله را بمثابه اشتباهاتی در اجرای سیاست امریکا جلوه دهد که با اصل بیطرفی امریکا در جنگ مبیانت داشته و به این وسیله باز هم مسئله بیطرفی امریکا را در این جنگ در اذهان جا بیندازد. برای نمونه جورج شولتز وزیر امور خارجه امریکا پس از این رسوائی باز هم "بیطرفی امریکا در جنگ ایران و عراق" تا کید گذاشت و برای فریب افکار عمومی مذبحخانه زاویه مخالفت خود را در این رابطه چنین مطرح ساخت: "با تضعیف توانائی نظامی ایران میتوان آن کشور را برای پایان دادن به جنگ با عراق به پای میز مذاکره کشانیدکاری که امریکا خواستار آن است" (صدای آمریکا - ۶۵/۹/۲۵)

در حالیکه سردمداران امپریالیسم امریکا همچنان در تلاشند تا دستان بخون آغشته خود را در تداوم و سازماندهی این جنگ پنهان سازند، سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی در همین جهت و قیحانه میکوشند داشتن روابط با امریکا را شکست بزرگی برای امریکا و پیروزی از این بزرگتر در مبارزات باصلاح ضدا امریکائی خود قلمداد نمایند. - پیروزی ای که از قسوار، کاخ سفید را به کاخ سیاه تبدیل کرده است - تا باز هم نقش واقعی امپریالیستها را در این جنگ لاپوشانی کرده و در نتیجه واقعیت وابسته به امپریالیسم رژیم را کتمان نمایند.



امریکا و اسرائیل در این جنگ ویرانگر در اختیار جنبش انقلابی گذاشته است. رشد تضادها، رهبران اسرائیل را مجبور ساخته است که به ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی اذعان نمایند. برای نمونه شیمون پروز وزیر امور خارجه اسرائیل در دیدار با هیئت پارلمانی اروپا اعلام کرد که: "اسرائیل با جمهوری اسلامی در زمینه تحویل اسلحه همکاری نداشته است" و با مدیرکل سابق وزارت خارجه اسرائیل در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد: "مک فارلین به او گفته است که بلندپایه ترین مقامات آمریکا از جریان ارسال سلاح به جمهوری اسلامی اطلاع داشتند و آن را تأیید میکردند و ارسال اسلحه از اسرائیل به جمهوری اسلامی با اطلاع آمریکا و هماهنگی کامل با مقامات آن کشور به عمل آمده است".

حال بگذار رفستانانی این آخوند مزدور در نماز جمعه بگویند: "حتی اگر اسلحه از طریق اسرائیل به ما بدهند و ما در سنگر وجبهه متوجه شویم که این اسلحه اسرائیلی است از آن استفاده نخواهیم کرد".

اما علیرغم همه این فریبکاریها، واقعیتهاى موجود با زهم برای این حکم تئوری مبارزه مسلحانه که "نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کشور سرمایه داری وابسته به امپریالیسم" بوده و "این نظام ایران را به جزئی ارگانیک از نظام امپریالیستی جهانی تبدیل کرده است مهترانید زده و ثابت گردیده است که "رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی است وابسته به امپریالیسم" که در جهت منافع امپریالیستها و بعنوان اجرای بخشی از سیاست کلی امپریالیسم در منطقه "کشور ما را بعرصه جنگ ویرانگر با عراق (*) تبدیل کرده است".

این واقعیتها را نشانه فریبکاری های جمهوری اسلامی میتواند کتمان نماید و نه تحلیلهای اپورتونیستی که با در نظر گرفتن استقلال سیاسی برای جمهوری اسلامی این رژیم را وابسته ندانسته و در این زمینه آب به آسیاب تبلیغات ریاکارانه جمهوری اسلامی میریزند. سیر خدادها صحت این تحلیلهای را به بهترین وجهی اثبات نموده و این ایده ما را در اذهان توده ها جا انداخته است. چرا که توده ها در بطن شرایط مادی زندگی خود و درستی این تحلیلهای را با گوشت و پوست خود لمس میکنند و هر روز در تجربه زندگی خویش فاکتهای بیشتری را در تأیید آنها میابند.

ما بارها ماهیت امپریالیستی این جنگ را طرح و افشاء ساخته ایم و حال رشد تضادها، فاکتورهای هرچه بیشتری در جهت اثبات نقش

* - مطالب داخل گیومه از طرح برنامه چریکهای فدائی خلق

رفقای هوادار!

ما بارها تاکید کرده ایم که باید مسئله جنگ ارتجاعی را با تمام ابعاد و جلوه هایش بشناسید و توده ها بشناسانید و مخصوصاً دستهای کثیف امپریالیستها را در این جنگ که همه تبلیغات و هیاهوی جمهوری اسلامی برای مخفی کردن آن میباشد را هرچه روشنتر و مشخص تر به توده ها نشان دهید.

حال با توجه به نمونه های فراوانی که هر روز در این زمینه افشاء میشود وظیفه شماست که فعالتر از گذشته و با استناد به فاکتهای مشخص این هدف را برآورده سازید. زمانی رفیق اشرف دهقانی در پیام خود به خلقهای ایران گفت: "خمینی و بگین و ریگان هر سه نقشهای گوناگون نمایشی را بازی میکنند که گرداننده اساسی آن منافع امپریالیستی است" و حال سیر رویدادها و افشای برخی واقعیتها بر روشنی روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل و آمریکا را اثبات کرده و نشان داده که چگونه

بقیه در صفحه ۲۷



درگیریهای حزب دمکرات و کومه و ضرورت

آتش بس بدون قید و شرط

از صفحه ۱

ضد خلقی جمهوری اسلامی در برداشت و در همان حال که بخشی از انرژی هردو سازمان را به خود معطوف ساخت؛ به سدی در مقابل تمرکز نیروی هر دو سازمان در مقابل دشمن مشترکشان تبدیل گردید در همان حال امکانات جمهوری اسلامی را در سرکوب هر چه بیشتر جنبشش ضدا مپریالیستی خلق کرد فزونی بخشید.

ظرف مدت دو سال تعداد زیادی از پیشمرگان حزب و کومه له، این فرزندان دلیر خلق کورد در جنگی برادرکشی بین این دو نیرو به شهادت رسیدند، نیروی که اگر بر علیه دشمن مشترک هر دو جریان یعنی رژیم جنایتکار خمینی سازمان مییافت بدون شک نقش ارزنده ای در پیشرفت جنبش مسلحانه خلق کرد ایفاء مینمود؛ اما تداوم این درگیریها باعث متفعل شدن و سرخورده گشتن بخشی از نیروهای فعال جنبش گردید و چشم انداز پیروزی را در اذهان توده ها هر چه کم رنگ تر ساخت. چرا که توده ها بدرستی یکی از عوامل مهم پیروزی جنبش خلقی کرد را وحدت نیروهای درونی آن میدانند؛ ولی متأسفانه در دو سال گذشته نه تنها از چنین وحدت و همکاری ای خبری نبود بلکه آنها با تداوم درگیریهای خونبار حزب و کومه له مواجه بودند، پس بدرستی از همان آغاز بر علیه این درگیریها موضع

گرفتند و خواهان ختم سریع این جنگ برادرکشی شدند. جنگی که نفرت و انزجار توده ها را باعث گشته و توده های خلق کورده اشکال مختلف مخالفت خود را با آن ابراز نموده اند و همین جنگ است که با گذشت زمان هر روز تاثیرات مخرب خود را بر ضداهداف و منافع جنبش آشکارتر میسازد.

تداوم درگیریهای حزب و کومه له علیرغم خواست توده ها و درست برخلاف منافع آنها و در نتیجه در جهت منافع جمهوری اسلامی طبعاً نمیتوانست باعث نارضایتی و انزجار توده ها نگردد. درگیریهایی که در ادامه سیاستهای انحرافی حزب و کومه له حاصل شده بود حال در تداوم خود این سؤال را در مقابل هر کس میگذاشت که میزان مسئولیت هر یک از این دو سازمان در تداوم این درگیریها چه حد است و مسئولیت اصلی تداوم این درگیریها بر عهده کدام نیروست؟ برای پاسخ درست به این سؤال بایدنگاهی به گذشته انداخت و مواضع هردو نیرو را هر چند به اختصار بررسی نمود.

این درگیریها که با حمله حزب دمکرات به مقرهای کومه له در منطقه اورامان و به شهادت رسیدن ۱۲ پیشمرگه کومه له و ۲ پیشمرگه حزب دمکرات آغاز شده بود از همان آغاز با برخورد غیر مسئولانه حزب دمکرات نسبت به "هیئت تحقیق مشترک" که برای بررسی موضوع تشکیل شده بود

مواجه گشت و از آنجا که در جریان این درگیریها تعدادی از پیشمرگان کومه له بشکلی فجیع به وسیله حزب دمکرات اعدام شده بودند حزب دمکرات وظیفه داشت با برخوردی مسئولانه نسبت به منافع جنبش خلق کورد ضمن محکوم کردن چنین عملی به معرفی مجازات مسبب این اقدام تنگین و غیر انقلابی بپردازد تا هم راه را بر ادامه چنین روشهایی در جنبش خلق کرد ببندد و هم سنتی ارزشمند در برخورد با چنین مسائلی برجای بگذارد. ولی حزب دمکرات عملاً به این امر تن تداد و در نتیجه این اقدام خود مسئولیت این دوره درگیریها را بر دوش خود حمل نمود و در همان حال به این وسیله برای کومه له دام گسترده داد که کومه له در ۶ بهمن ماه همان سال در آن پای گذاشت و با ماجراجویی کومه له در ۶ بهمن، حال حزب دمکرات فرصت مییافت تا ضمن لاپوشانی مسائل درگیری ۲۵ آبان هر چه بهتر در جهت تحقق مصوبه های پلنوم شهریور ماه سال ۶۳ خود مبنی بر سراسری کردن جنگ با کومه له پیش رود.

از آن زمان نیز تاکنون با اینکه توده های خلق کرد و همه سازمانهای انقلابی بر علیه این درگیریها موضع گرفته اند و خواهان ختم این جنگ وستیزها بوده اند حزب دمکرات با گذاشتن شروطی غیر دمکراتیک برای آتش بس و مذاکره با کومه له عملاً از پذیرش خواست توده ها طفره رفته است.

به این ترتیب جنبش خلق کرد

اسلامی نشانه رود .

اما حزب دمکرات به جای پاسخ گوئی به این مسئله مهم و اساسی نه تنها به پذیرش آتش بس تن نداده بلکه شرایطی غیردمکراتیک برای مذاکره با کومه له مطرح ساخته که تنها بیانگر عزم این حزب بر ادامه این جنگ میباشد .

از همین روست که آغاز درگیریها ، عدم رسیدگی به درگیری ۲۵ آبان و مجازات مسببین اعدام پیشمرگان کومه له و عدم پذیرش آتش بس بدون قید و شرط و گذاشتن شروط غیردمکراتیک برای آتش بس و مذاکره با کومه له

در حالیکه نشانه دهنده عزم حزب دمکرات به ادامه جنگ با کومه له میباشد . جنگی که دیگر سراسری شده و عملاً مصوبه بلنوم حزب دمکرات را متحقق ساخته است . در همان حال میزان مسئولیت حزب دمکرات را در این درگیریها با برجستگی خاصی آشکار میسازد و حزب دمکرات را عملاً در مقابل خواست برحق توده ها مبنی بر آتش بس بین دونیرو قرار میدهد . باید در نظر داشت که طرف دیگر این درگیریها یعنی کومه له با توجه به مسئولیتی که در فاجعه ۶ بهمن بردوش دارد به بقیه در صفحه ۲۳

۲ سال گذشته بایکسی از دردناکترین معضلات خود یعنی درگیریهای خونبار حزب و کومه له مواجه بوده است . معضلی که همچون خوره این جنبش را از درون میخورد و با به هرز دادن بخش مهمی از توان آن ، جنبش را از پیشروی های بیشتر باز میدارد .

از آنجا که منافع جنبش ضد امپریالیستی خلق کسرد و در نتیجه جنبش سراسری خلقهای ایران بر علیه سلطه امپریالیسم ایجاب میکند که این درگیریها هر چه زودتر پایان یابد و از آنجا که هر دو نیروی درگیر این جنگ نیز تا کنون به اشکال و درجات مختلف به مضرات این جنگ اعتراف نموده اند ، در نتیجه یکی از مهمترین مسائل جنبش خلق کرد مسئله ختم درگیریهای موجود میباشد .

اما حزب دمکرات برای آتش بس و مذاکره با کومه له شروطی غیردمکراتیک طرح کرده است که به هیچوجه در جهت ختم این درگیریها نمیباشد و از آنجا که ختم این درگیریها بدون پذیرش آتش بس بدون قید و شرط از سوی طرفین نامحتمل است ، در نتیجه شعار آتش بس بدون قید و شرط به یکی از میرم ترین شعارهای جنبش خلق کرد تبدیل گشته است .

در چنین شرایطی حزب دمکرات میبایست و اکنون نیز وظیفه دارد که هر چه زودتر شعار آتش بس بدون قید و شرط را پذیرفته و برای مذاکره با کومه له آمادگی خود را اعلام کند تا لوله تفنگهای پیشمرگان کردستان تماماً بسوی دشمن مشترک خلق کرد یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم حمید ،



۳۵ آذر (۲۱ دسامبر ۱۸۷۹)

صد و هفتمین سالروز تولد رفیق استالین رهبر کمبیر پرولتاریا و تجسم مبارزات خستگی ناپذیر طبقه کارگر در راه کسب قدرت سیاسی و ساختمان سوسیالیسم گرامسکی باد

جنبش انقلابی و مساله
آوارگان

فرار از جهنم جمهوری اسلامی و حاکمیت ضد خلقی هفت ساله اش، به یکی از شایعترین واکنشهای توده های دربند و به جان رسیده میهنمان در مقابل دیکتاتور میهنم بدل گشته است.

بین دوتاسه میلیون آواره و به جان آمده که بابه خطی انداختن تمامی هستی خویش و با گذشتن از دهها مانع و خطر، از بنداختن حاکم بر ایران گریخته و در کشورهای مختلف جهان درگیر و در احوال مسئله پناهندگی خویش دست و پا میزنند و گاهها جان میدهند، تنها بیانگر جلوه کوچکی از سرکوب گسترده و لجام گسیخته جاری در ایران و یکی از ارمغانهای ضدمردمی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد. بدون شک، این رژیم دست پرورده امپریالیستها میتواند به خود پبالد که در کنار سایر جناحهایش تبدیل به یکی از بزرگترین مادرکنندگان پناهنده به سایر کشورهای جهان شده است. هرچند که بلندگوهای تبلیغاتی معلوم الحال او میکوشند بسیاری از این آوارگان را با اصطلاح ضدانقلاب و..... معرفی کنند ولی آنچه روشن است، اینها "ضدانقلاب" بلکه توده های مردم و از قشرهای گوناگون اجتماع عینند که در اثر تعدیات و تجاوزات و سرکوبی امان و همه جانبه حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی به سایر کشورها پناهنده شده اند.

بحران بی سابقه و خانه خراب کن اقتصادی که بخصوص در چند ساله اخیر توسط امپریالیستها

و با شدت بی نظیری بر میهن ما سرشکن شده است، فقر و بیکاری و گرانی، تعقیب و بیگرد و شکنجه، و زندان و اعدام به خاطر دفاع از کمترین حقوق اجتماعی و سیاسی و در یک کلام سرکوب بیرحمانه در تمام عرصه های زندگی و حتی خصوصی ترین آنها از یک سو و جنگ ویرانگر و خانه خراب کن امپریالیستی که رژیم حاکم در اجرای سیاستهای ضد خلقی راهزنان بین المللی بمدت چند سال است بدان مبادرت ورزیده و گروه گروه جوانان و سرمایه هسان انسانی و اقتصادی مملکت را در پیشبرد و تداوم آن به جبهه های مرگ سرازیر کرده است از سوی دیگر، توضیح مختصر جنبش وضعیت بیفرنج و غیر قابل تحملی در میهن تحت سلطه ماست که ظرف مدت کوتاهی چنین خیل عظیمی را وادار به ترک وطن نموده است. گذشته از این توضیح مختصر ولی لازم برای درک این مهاجرتها، آنچه را که در این مقاله میخواهیم و باید بدان بپردازیم بررسی اجمالی وضعیت و مشکلات این خیل عظیم هم میهنان آواره است.

خاستگاههای اجتماعی متفاوت این دودسته و تفاوت بسیار زیاد امکانات مالی و اقتصادی آنها با یکدیگر باعث شده است که در خارج از کشور نیز دنیای معیشت و گذران زندگی و دنیای فرهنگ کاملاً متفاوت را بتوان در بین آنها تشخیص داد.

دسته اول که غالباً از خانواده " هزارفامیل " و نیم "پهلویهای" آریا مهربی به همراه " امرای" ارتش و سرتیپها و سرهنگهایشان تشکیل شده اند در غربت برای خود، ایران شاهنشاهی کوچکی ترتیب داده اند. سهامها و حسابهایشان در کارخانجات و موسسات مالی و بانکهای خارجی همچنان پابرجا و در حال گردش است. بزمها و مجالس آنچنانی و گاهها به شیوه " وطنی" از یکسو، به همراه دهها جلوه منحنی همان حکومت ساقط شده شاهنشاهی سابق، تصویر محدودی از زندگی کنونی و آنطور که بعضاً از آه و ناله هایشان بر میآید، بسیار مشقت بار و " آسان را در

نکته ای را که باید در اینجا بر آن تاکید گذارد این است که در شرایط کنونی بخش مهمی از آوارگان این جهنم امپریالیستی را توده های زحمتکش خلق ما تشکیل میدهند. اگر در شرایط پیش از قیام و هنگام زمانمداری حکومت شاه خائن ترک ایران و مهاجرت به خارج اکثر برای " مغزها" و عناصر مرفه و بالای جامعه که شیفته فرهنگ و مناسبات حاکم بر کشورهای غربی بودند میسر میشد، اگر در شرایط قیام بر اثر جایگزینی جمهوری



کشورهای خارجی تشکیل میدهد. از نظر فعالیت سیاسی نیز، گناه و بیگانه در همان عیاشیها و بزمهای "ملوکانه" اعلامیه‌هایی با امضای "شاهنشاه" و "شهربار" و "نخست وزیر" ایران صادر کرده و با سوز و گداز برای وطن تپاه شده‌شان دل میسوزانند. باید در نظر داشت که از قیام بهمن تا کنون بسیاری از اینان که آن زمان در اشرار مبارزات توده‌ها به خارج از کشور پرتاب شده بودند بخاطر وابستگی تا مغز استخوانشان به نظام ضد خلقی موجود و کوشش‌های بی‌شائبه حاکمیت دست نشانده جدید، به ایران بازگشته و با "اغاده حیثیت" همچنان در موسسات بازسازی شده امپریالیستی توسط جمهوری اسلامی، به امر غارت و چپاول و سرکوب توده‌ها و پرگردن جیب‌خود و اربابان‌شان مشغولند. بخشی از آنان هم که به دلایلی هنوز بازنگشته‌اند و یا امکان بازگشتشان نیست، یا دولت‌مردان حاکم کنونی را در امر معاملات کلان و مخفی با امپریالیستها، مستقیم و غیرمستقیم یاری میدهند. و یا در انتظار روزی هستند که با اشاره ارباب دوباره بر مسند قدرت بخرزند.

اما دسته دوم که اکثریت عظیمی را نسبت به گروه یاد شده تشکیل میدهند درگیر شرایط بس متفاوتی هستند. بیش از ۷ سال شقاوت‌ها و جنایتهای بی‌حد و حصر اقتصادی - اجتماعی رژیم ضد خلقی حاکم بر ایران کافی بود تا این خیل عظیم را بر خلاف میل باطنیشان مجبور به جاگذازدن تمام هستی خود نموده و برای یافتن حداقل

مأمن و پناهگاه، راهی و آواره کشورهای فراسوی مرز نماید. فقر و بیکاری، رکود و گوانی، کمبود کوچکترین مایحتاج اولیه زندگی، محرومیت از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی و فرهنگی و غارت و چپاول توسط موسسات و نهادهای رنگارنگ دولتی و بموازات تمام اینها، بگرویدنها و کشتارها و اعدامها و زندانها و سیاهچالهای مملو از بهترین فرزندان خلق و دریک کلام سرکوب و دیکتاتوری لجام گسیخته جاری در جامعه، همه آن چیز است که نظام حاکم ظرف چند سال گذشته برای توده‌های مردم به ارمغان آورده و یا بر آنها شدت بخشیده است. گذشته از اینها و مهمتر آنکه آتش جنگ امپریالیستی شش ساله اخیر نیز مزید بر علت گشته و بسیاری از توده‌ها بخاطر اجتناب از قربانی شدن در جهنم این جنگ ضد خلقی و فرار از دست‌گروهها و دستجات رنگارنگ شکار انسان - برای تامین گوشت دم توپ همین جنگ و بالنتیجه مرگ در راه تامین منافعی سرمایه داران وابسته و اربابان امپریالیستشان - از این جهنم بطور قاچاق گریخته و به کشورهای خارجی پناهنده شده‌اند.

کارگران و زحمتکشانی که با فروختن نیروی کار خود در بازارهای کار کشورهای عربی خلیج زندگی میکنند، پزشکانی که به خاطر عدم تمکین به سیاستهای ضد خلقی رژیم در مورد حرفه‌شان کشور را ترک کرده‌اند، جوانانی که از میدانهای جنگ امپریالیستی و از خدمت به ارگانهای سرکوب امتناع نموده و گریخته‌اند، و روشنفکرانی که بخاطر دفاع از

طبیعی ترین و ابتدائی ترین مظاهر آزادیخواهی و حقوق اجتماعی تحت تعقیب و پیگرد و شکنجه و زندان جلادان جمهوری اسلامی قرار گرفته و به خارج فرار کرده‌اند و..... بیانگر نمائی از قشر بندی این دسته میباشد.

ساده انگاری است اگر تصور شود که آوارگان با ترک ایران و کوچ به کشورهای خارجی وضعیت بهتری پیدا میکنند. گروه آنان موقتا از سرزمین مرگ جمهوری اسلامی جان به در میبرند، اما از همان اولین گام برای فرار از این سرزمین مرگ تا هنگامیکه احتمالا بعنوان یک پناهنده در سایر کشورها پذیرفته شوند از "هفت خانی" میگذرند که گذشتن از زهرخان آن مستلزم گذشتن از جان و مال و زندگی‌شان است.

عبور قاچاق از مرزها توسط سوداگران، معرفی خود به پلیس و سایر موسسات مشابه در کشورهای همجوار که بخاطر ماهیتشان در بکارگیری شیوه‌های ضد خلقی دست کمی از همپالگیهای ایرانی‌شان ندارند، قرار گرفتن در لیست بی‌انتهای سازمانتهای معلوم الحال پناهندگی که اکثر آنها قریباً توری از سازمانهای کمک و دفاع از آوارگان هستند، و سپس انتظار برای قبول درخواست پناهندگی از فلان کشور، روشن است که تا مقطع قبول پناهندگی که همیشه دستخوش عوامل داخلی و خارجی متغیری است، زندگی سخت و مشقت بار این عده در اردوگاهها و مجموعه‌هایی که فاقد کمترین امکانات اولیه زندگی میباشد نازلترین بهائی است که آوارگان باید بپردازند.



مسائل و مشکلاتی که در بالا شرح آن رفت و پناهندگان و آوارگان ایرانی با آن دست یگریبانند، پاسخ گفته و آنها را در حلال مشکلاتشان یاری دهد.

در همین رابطه باید با تمام امکان، در کانونهای دمکراتیک و مترقی که بمنظور کمک و حمایت از هموطنان آواره مان در خارج کشور تشکیل شده، شرکت کرد و در بسط و تقویت هر چه بیشتر آنان کوشید و در این رابطه خود برای ایجاد کانونهای دمکراتیک بخصوص در جاهائی که این کانونها بهر علتی وجود ندارند پیشقدم شد. این کانونها میتوانند نخست در حد امکان پناهندگانی را که بدون هیچ مأوا و تجربه ای وارد کشورهای خارج میشوند، در تسریع و پیشبرد تشریفات قانونی امر پناهندگی یاری داده و راهنماییشان کنند. معرفی و کلا و مشاورینی که در آن کشور به این کار اشتغال دارند، کمک در امر ترجمه پرونده پناهندگی

بقیه در صفحه ۲۳

پیشبرد وظایف گرهی و محسوری کنونی باید در حل آنها نیز بعنوان حداقل، یک وظیفه دمکراتیک خود کوشا باشد که در این میان هواداران سازمان در خارج کشور وظایف سنگینتری را بر عهده دارند.

اگر خارج از کشور در طول سالیان متمادی و بخصوص از آغاز جنبش مسلحانه انقلابی در میهنمان همواره بعنوان یکی از کانونهای مهم افشاگری بر علیه رژیمهای وابسته به امپریالیسم شاه و جمهوری اسلامی و جنایتهای آنان در ایران بوده و میباشد، اگر امکانات خارج از کشور برای انقلابیون از جهان گذشته کمونیست و مبارز و مسلح خلق، در طول این سالها و بخصوص از بدو استقرار هفت ساله حاکمیت جنایتکار جدید همواره بعنوان یک پشت جبهه بمنظور تأمین تدارکات مادی و معنوی و تقویت آن انجام وظیفه کرده و هواداران جنبش انقلابی در این کشورها

با استفاده از اشکال متنوع مبارزه در رساندن ندا و خواستهای حق طلبانه خلق در زنجیر ایران کوششهای فراوانی بعمل آورده اند از همین جاست که اهمیت انجام وظایف مادر قبیل این مسئله و سازماندهی نیروها و عناصر آن بخصوص هنگامی که به خاطر شرایط خود ویژه کنونی چنین خیل عظیمی از هموطنان ما را در بر گرفته است دو چندان میگردد. اما باید در نظر داشت جنبش انقلابی زمانی میتواند از پتانسیل این خیل عظیم در تقویت مبارزه انقلابی خود بر علیه سگان زنجیری حاکم بر ایران استفاده کند که در درجه اول بدور از هرگونه تنگ نظری و کوتاه فکری فرقه ای و بعنوان یک وظیفه انقلابی، به

گذشته از اینها، نکته ای را که حتما باید بر آن تاکید گذارد این است که اوضاع تشریح شده فوق تصویری از روند محتمل وضعیت یک آواره است که تازه باید خیلی راحت و بی دردسر به مقصد رسیده باشد، چرا که بسیاری از کسانی که هنگام خروج غیر مجاز از همان مرزهای یاد شده به دام دژ خیمان میافتند، بسیاری از کسانی که به توسط پلیس ضد خلقی کشورهای همسایه با ردیگر به جمهوری اسلامی تحویل داده میشوند، هستند افرادی که در کیرو دار کشمکش و مبارزه برای تهیه امکانات با سازمانتهای بین المللی مانند UN و صلیب سرخ و..... دست به خودکشی میزنند و خلاصه دهها و مدها دام و مانعی که در هر گام برای آوارگان گسترده شده و آنان را آگاه و بیگانه به کام مرگ میکشد.

بدنبال تمام خطراتی که نمونه هائی از آن در بالا شرح داده شد آنچه که در کشورهای میزبان انتظار یک آواره را میکشد چیزی جز انتظار کشنده، بی زبانی، بیخبری از خانواده و از میهن، عدم وجود کمترین چشم انداز برای آینده، بی پولی و بیکاری، و جدا از اینها احساس تحقیر توسط بخشی از مردمی که به کشور آنها پناهنده شده اند و مرتباً به انحاء مختلف به خاطر این مزاحمان "ناخوانده" و "ناخواسته" مورد بی مهری و ملامت و سرزنششان قرار میگیرند، نیست. اینها گوشه هائی از واقعیت تلخ زندگی و مسائل چند میلیونیون تن از ایرانیانی است که به کشورهای خارجی پناهنده شده اند. بدون شک جنبش انقلابی در امتداد





اطلاعیه چریکهای فدایی خلق ایران در رابطه با جاری شدن سیل در مناطق جنوبی کشور

خلقهای قهرمان ایران!

بر اثر بارندگی شدید و جاری شدن سیل در جنوب کشور عده‌ای از توده‌های ستمدیده در این مناطق بکام مرگ کشیده شدند و خسارات زیادی به اهالی منطقه وارد گردیدند. بسیاری از روستاها ویران شد و وسایل و زمینهای کشاورزی و دامها و مراتع اهالی محروم منطقه نابود گردید.

بدون شک وقوع بارندگیهای شدید و جاری شدن سیل از پدیده‌های طبیعی بوده و امری است که از اراده انسانها خارج میباشد. اما همین امر طبیعی در چهارچوب شرایط اقتصادی - اجتماعی در هر کشور تاثیرات متفاوتی برجای میگذارد. برای نمونه اگر این سیل با همین شدت در کشوری که دارای نظام سوسیالیستی است جاری میشد بدون شک خسارات وارده و تلفات جانی ناشی از سیل بیسی کمتر از جاری شدن سیل در کشور ما و در شرایط سلطه جمهوری اسلامی میبود. چراکه در نظام سوسیالیستی تمامی امکانات جامعه در جهت ایجاد شرایط زندگی هر چه بهتری برای توده‌ها کانالیزه گشته و بویژه جامعه روستائی از امکانات بسیار وسیعتری در مقابل با پدیده‌های طبیعی برخوردار میگردد.

ولی در ایران در شرایطی که امپریالیستها تمامی منابع طبیعی و دسترنج توده‌ها را در معرض دستبرد و غارت قرار داده و حتی امکانات موجود در کشورهای بورژوازی را از توده‌ها سلب نموده اند و تحت حاکمیت رژیم

جمهوری اسلامی که همه تلاشش در جهت تریه کردن اربابان امپریالیستش و بر مایه داران وابسته میباشد طبعاً توده‌ها در فقر و فلاکت به سر برده و دیگر امکانی برای محدود کردن خسارات چنین پدیده‌های وجود نخواهد داشت. بدون شک روستائی‌ای که که باید در خانه گلی خود با شک نیمه گرسنه گذران کند دیگر امکانی برای جلوگیری از خسارات پدیده‌های همچون سیل نخواهد داشت. در نتیجه در رابطه با سیل اخیر و خسارات سنگینی که به اهالی مردم منطقه وارد ساخته است، رژیم ضد مردمی خمینی نیز مسئول بوده و در حقیقت همین رژیم است که مسبب واقعی شدت خسارات و تلفات موجود میباشد و این امر نیز جزئی دیگر از پرونده تمام آسیاه رژیم ضد خلقی بایسد تلقی گردد.

این رژیم از زمانیکه بر سرکار آمده است علیرغم تمامی هیاهوهای "مستضعف گرایانه اش" نه تنها هیچ گامی در جهت منافع توده‌ها برنداشته است بلکه پیگیرانه در جهت تحکیم سلطه امپریالیستها و بورژوازی وابسته کوشیده و در جهت منافع امپریالیستها، ایران را به صحنه جنگی ویرانگر تبدیل نموده است جنگی که عمده بودجه مملکت و توان کشور در جهت هدایت و تداوم آن سازمان یافته است. سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی در جهت منافع اربابان خود از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و تا آنجا که توانسته‌اند امکانات کشور را در راه این جنگ

ارتجاعی به باد داده اند و به اشکال گوناگون جیب اربابان خود را از غارت و چپاول خلقهای ما پر ساخته اند و همچون ریزه خواران سفره ارباب بقیه راهم به جیب زده‌اند تا حسابهای بانکی خود در کشورهای خارجی را هر چه بیشتر پر سازند. در نتیجه دیگر امکانی برای رسیدگی به وضعیت فلاکت بار توده‌ها و بویژه اهالی محروم جنوب کشور باقی نمیماند پس بطور ناگزیر این مناطق و اهالی ستمدیده اش همیشه تا چینی رژیمهای بر سر کارند قربانی پدیده‌های طبیعی همچون سیل و زلزله و غیره میباشد. چراکه در واقعیت آنها قربانیان نظام منحط کنونی میباشد.

اما اعمال جمهوری اسلامی از آنچه که در بالا گفته شد هم جنایتکارانه تر است این رژیم در حالیکه از قول سرپرست هلال احمر خود به عمق فاجعه و ابعاد عظیم خسارات وارده اعتراف نموده است اما وقبحانه علامت نموده که دولت قادر به کمک به مناطق سیل زده نمیشد در این زمینه وحید دستگردی سرپرست هلال احمر جمهوری اسلامی طی مباحثی با رادیو تهران گفت: "میزان خسارات وارده در این مناطق بحدی بوده که تاکنون دولت جمهوری اسلامی نتوانسته است به مناطق مزبور دسترسی پیدا کند حتی با هلیکوپتر هم نمیشود به آنجا نزدیک شد" او در ادامه سخنانش گفت: "دولت قادر نیست به مردم مناطق



سیل زده کمک نماید " جمهوری اسلامی به این وسیله در خالیکه از خود نسبت به مناطق سیل زده و اهالی محروم سلب مسئولیت میکند در همان حال راهی برای چپاول و اخاذی از توده ها برای خود میگشاید تا با آه و ناله سردادن در رابطه با عدم امکانات دولت از احساسات انسانی مردم برای چپاول آنها سود جوید. اما مردم ستم دیده ما باید از این رژیم ددمنش سوال کنند که چرا توانائی ادامه ۶ سال جنگ ارتجاعی را با وجود تمام مخارج کمر شکنش داراست ولی توانائی کمک به مردم سیل زده ۹ استان کشور را ندارد؟ چرا جمهوری اسلامی میتواند همه امکانات کشور را صرف جنگ امپریالیستی با عراق نماید ولی نمیتواند بخش کوچکی از آن امکانات را در جهت کمک به اهالی سیل زده جنوب مصرف کند؟ چرا امکان سازمان دادن ارگانهای مختلف سرکوبگر را دارد و هر روز نیروی بیشتری را برای سرکوب خلق قهرمان کردروان کردستان میسازد و چرا بودجه عظیمی را صرف سپاه پاسداران و کمیته ها و ارگانهای مختلف سرکوبگر مینماید ولی توانائی رسیدگی و کمک به مناطق سیل زده را ندارد؟

آیا همین مسئله بخوبی ماهیت ضد مردمی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی را به عینه نشان نمیدهد؟ و اگر جمهوری اسلامی توانائی کمک به مردم سیل زده را ندارد پس چرا همین موضوع سیل را بوسیله ای برای چپاول و غارت توده ها تبدیل کرده است البته این رژیم تاکنون در هر زمینه ای مهارت خود را برای اخاذی از مردم نشان داده است و حال با وقوع

سیل در ۹ استان جنوبی کشور موضوعی یافته است که همه دنائت و پستی خود را به نمایش بگذارد و با باز کردن حسابهای مختلف به نام آخوندهای مفت خور و استفاد از احساسات انسانی توده ها - کمکهای آنها را به جیب بزند در حالیکه هر روز خبری مبنی بر اختصاص چند روز از حقوق کارگران و کارمندان فلان کارخانه یا اداره برای کمک به سیل زدگان به حساب دولت را اعلام میکنند. و سرانجام نیز با جمع آوری همه این امکانات کمکی واقعی هم به سیل زدگان نکرده و همه این امکانات را با لامیکشد. چرا که واقعیت جمهوری اسلامی و آخوندهای مفت خور این رژیم جز این نبوده و نیست.

خلقهای ما باید بدانند که این رژیم منفور هیچ رسالتی جز سرکوب و چپاول آنها در جهت منافع سرمایه داران وابسته نداشته و ندارد و جمیع آوری کمکهای مردمی نیز تنها وسیله ای برای چپاول توده ها است.

مردم مبارز!

وظیفه شماست که به کمک برادران و خواهران سیل زده خود بشتابید ولی بدون شک نه از کانال جمهوری اسلامی و ایسادی دزد و فاسد این رژیم بلکه خود را سا و مستقیماً به این عمل اقدام نمائید و کمکهای خود را از هر طریقی که میتوانید را سا به توده های محروم سیل زده جنوب کشور برسانید از تجربه جهان پهلوان تختی در زمینه کمک به زلزله زدگان درس بیاموزید که علیرغم مخالفت های ناواک شاه شما به جمع آوری کمک و ارسال آن برای زلزله زدگان پرداخت

رفقای هوادار!

با توجه به توضیحات داده شده وظیفه انقلابی شماست که فعالانه به کمک اهالی سیل زده ۹ استان جنوبی کشور برخاسته در حد امکانات خود زحمت کشان را یاری رسانید و با ابتکارا ت خود امکان رساندن کمکهای مردمی را بطور مستقیم به سیل زدگان فراهم سازید.

مرگ بر رژیم وابسته - امپریالیسم جمهوری اسلامی! با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۵/۹/۲۶

اخبار کردستان

از صفحه ۲۲

در مقابل اعتراض زحمت کشان مبنی بر احتیاجشان به دکهداری برای تامین حداقل نیازهای زندگی خانواده شان بشیرمانه بسنه دکهداران گفت که چرا نمیروید اسلحه بگیرید و بسیج شوید.

به این وسیله شهردار مرزدور یکی از شگردهای جمهوری اسلامی برای بسیج نیرو جهت اعزام بسنه جبهه های جنگ را علناً طرح نمود. ۲- رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به دانش آموزان مدارس سنندج به اشکال مختلف تحت عنوان جمع آوری کمک برای جبهه ها فشار می آورد و با تهدید دانش آموزان به کسر تراششان در امتحانات از آنها به بهانه کمک به جبهه ها اخاذی مینماید برای نمونه در یکی از دبیرستانهای دخترانه سنندج هردانش آموز مجبوره پرداخت ۱۵ تومان شده است.

فریبکاری "ادامه کدام روش؟

فرجام کدام تفکر؟

آیا این واقعیت داشته و درست است که بگوئید فرخ نگهدارها همانقدر مقصودند که توکل ها؟ اولیها در سازمانی که بنا به گفته خودتان "بیش از نیم میلیون نیروی تشکیلاتی داشت" راه انحراف و خیانت در پیش گرفتند و اکثریت آن نیرو را به صف ضدانقلاب کشانند، به جنبش خلق ترکمن خیانت کردند، جنبش خلق کرد را در مطخ رژیم مزدور خمینی رها کردند و خود در کنار رژیم قرا گرفتند، سلاحهایشان را به سپاه پاسداران تحویل دادند، به جاسوسی بر علیه نیروهای انقلابی پرداخته کارگران را به اضافه تولید برای جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم و تمکین در برابر سیاستهای ضدانقلابی اش واداشتند والی آخر، در حالیکه دومی ها - یعنی دولوهای اقلیتی - در سازمانی یا کم و کیف اقلیت در مقطع ۴ بهمن، درگیری مسلحانه آفریدند که منجر به شهادت ۵ تن از طرفین گردید و عوارض و نتایج خودش را در محدوده خاص خود پدید آورد و سرانجام به دو تشکیلات بدل شدند، اولیها پیروهای از انحراف تا جنایت و ضدانقلابی شدن را طی کردند، در حالیکه دومی ها، با تمامی ضرباتی که بر پیکر جنبش انقلابی وارد آوردند، پیروهای دیگر با خباثین دیگری را پشت سر گذاشتند که بهیچوجه آن ابعاد و کیفیت را نداشته است و وقتی شورایی عالی جناح کمیته مرکزی را جنایتکار و ضدانقلابی نمیدانند، ناخواسته به چنین تفاوتی اشاره دارد، و اینجاست که وقتی توپ آنقدر بزرگ گرفته شد از دروازه عبور

باشد ریشه در آب دارند، بهمان اندازه که در زوروق فرمالیسم پیچیده گردد - کاریکه در این مقاله صورت گرفته - با جبار هم باید چنین شود، تهی از محتوی و اندیشه نقادانه از آب درمیآید، آیا حق داریم بدینگونه - نتیجه گیری و داوری نمائیم؟ بلی، اما با استدلال، برای اثبات مدعا سراغ چند نکته - فقط چند نکته از انبوه تحریفات فراوان - از مقاله میرویم و آنها را نه در مدار تخیلات شورایی عالی بلکه در مدار واقعیت های جاری بد محک میگذاریم تا موارد تحریف و نتیجتا فریبکاری آشکار گردد، و ابتدا از موضوع مورد بررسی شورایی عالی و ریشه یابی اش یعنی فاجعه ۴ بهمن آغاز میکنیم، در این باره در مقاله آمده است که: "واقعیت این است که توکل ها در فاجعه ۴ بهمن همانقدر مقصودند که امثال فرخ نگهدارها در کشیدن اکثریت نیروها بدامان حزب توده و وصله کردن آن به جمهوری اسلامی تقصیرکار بحساب می آمدند، تقصیر را همانقدر میشود به گردن اینها گذاشت که به گردن آنها، چرا که نه فاجعه ۴ بهمن یک امر تصادفی بود و نه تجانس اکثریت با حزب توده، این هر دو محصول یک تفکر، یک نگرش و نتیجه روش واحدی در سازمان فدائی بود که ریشه خود را از اسلوب سازماندهی مبارزه و نحوه کسب قدرت سیاسی کسب میکرد، آفرین بر این سفسطه!

اقلیت (شورایی عالی) در کنار شماره ۲۰۳ در آخرین قسمت از مقاله "فاجعه ۴ بهمن ادامه کدام روش؟ فرجام کدام تفکر؟" کوشیده است تا به "تحلیل فاجعه ۴ بهمن پرداخته، علت آنرا دریافته و به ریشه مسئله دست یابد، اوبه سیاق همیشگی خود محفلیم و توطئه گری (یا همان روش ضد حزبی) را علت مسئله یافته و جا رزده است، بعلاوه گویا "ریشه" آنرا نیز کشف کرده است و راضی و سرخوش از این کشف خود در پیستی دستیابی به اهداف معینی برآمده است، اهدافی دوگانه: از یک طرف به "برکات" آن کشفیات "ریشه ای" خود را از این "بلایا" پاک و منزه جلوه دهد و از طرف دیگر ضمن لاپوشانی نقش خویش در آفرینش فاجعه ۴ بهمن برای خود هیئتیی دیگر بسازد، اما اندک توجهی به شیوه برخوردش در این مقاله نمیتواند افشاگر "اندیشه و تفکر" و "اسلوب و روش" چنین کاشفان و تحلیل گرانی باشد، روش و تفکری که چندان ناآشنا نیستند: قبل از تحلیل و بررسی جستجوگرانه اتخاذ موضع میشود، بهره چینی جنگ زده میشود، موضوعات از هدار واقعی خارج میگردد، التقاط گرائی میشود، تشابه گرائی مکانیکی بکار می رود و نهایتا گویا همه چیز راست و ریس شده و "مستدل" گشته است، در حالیکه در واقعیت امر فریبکاری صورت میپذیرد، بدیهی است، تحلیلهایی که بر چنین روش و اسلوبی استوار

نمیکنند و هر چه بگوئید که بسا فاجعه ۴ بهمن به "قلمرو فیسج تجربیه" رسیده‌اید و خود فاجعه "شیپور بیدارباش" بود و اهمیت مسائل تشکیلاتی را بر "چپ ایران" نقره داغ کرد، کار آبی خود را به دلیل آنکه در مدار واقعیتی نیست از دست میدهد و با تشابه‌گرایی خیالی به فریبکاری میانجامد و به سرنار از سر گذاردن تبدیل میشود، ضمن آنکه زیرک‌کنشی تیرش فرخ نگهدارها نیز پیسوج میگردد.

اما نکته مهمتر در نتیجه‌گیری همین قسمت نقل شده نهفته است که شورای عالی به‌داز مغزی و کبری چیدن آنچنانی آن را یکبار دیگر "کشف" میکند و بالاخره باز هم همه "تقصیرات" را به گردن "مشی چریکی" میاندازد و بدینگونه گویا به تقدیرشده‌ای می‌نشیند، توجه کنید: "این هر دو محصول یک تفکر و نتیجه روش واحدی در درون سازمان فدائی بود که ریشه خود را از اسلوب سازماندهی مبارزه و نحوه کسب قدرت سیاسی کسب میکرد." برای آنکه منظور شورای عالی از این ریشه‌یابی بهتر فهمیده شود و احیاناً شتاب‌بزرده دچار کج فهمی نشده باشیم بجایست که به گفته‌های خود آنان رجوع شود: "اتکای ما در آغازین دوران طفولیت پیش از آنکه بر اهرم پرولتاریا، نیروی طبقه کارگر و سازماندهی مبارزه توده‌ها باشد به سلاحمان بود"، و بسا "بعد از قیام آنگاه که طبقات خود در صحنه انقلاب ظاهر شدند نقش سلاح باید به طبقه سپرده میشد، توهّمات اولیه یک مشی انحرافی باید فرو می‌ریخت، اتکای سازمان پرولتاریا باید به

پرولتاریا میبود، جنبشش مسلحانه خلق چه در روستا توده‌ای میشد چه در شهر، اتکایش پایه جنبش دهقانی بود یا به جنبش خرده بورژوازی شهری، ایسین جنبش هر چه بود، تنها در پی تغییر و تحولات بورژوازی بود و بسا اهداف نهایی پرولتاریا فاصله زیاد داشت، "شورای عالی پس از قلم فرسایی فرمالیستی به بحث پوپولیسم و اسلوب و روش می‌آویزد و می‌گوید: "جزارزیابی سیاسی، هنوز نه‌اندیشه و تفکر نه‌اسلوب و روش، معیاری نداشت و این نوع گرایش (منظور اکثریت و اقلیت است) توضیح از ماست) را از هم تفکیک نمی‌کرد." ما به ایسین اعتراف اجباری میدی برای آنکه اندیشه و تفکر، اسلوب و روششان با اکثریت مغایرت نداشتند و تفکیک نشده بود و یا اینکه به سلاح متکی بودند، اند استقبالیال میکنیم و احسن گویان کاملاً آنرا تا ناید میکنیم و در همین حال وظیفه داریم برده از فریبکاری آنان درباره تئوری مبارزه مسلحانه و چریکهای فدائی خلق فروافکنیم، گویا شورای عالی فرافوش کرده است که در مقطع انشعاب چریکهای فدائی خلق (سال ۵۸) آنها نیز در کنار اکثریتی‌های بعدی با تئوری مبارزه مسلحانه مرزبندی کردند و توهّمات اولیه نسبت به "مشی انحرافی" را فروریختند ربحت انحرافی از "اصول" آغاز کنیم را ادامه دادند و گویا آن بحثهای پیرامون "اصول" اندیشه و تفکر و اسلوب و روش را شامل نمیشده است، حال چه شده است که بار دیگر به چنین دستاویزی نیاز افتاده است؟ بدون شک همان اهداف دوگانه‌ای که در ابتدای این نوشته مطرح

کردیم آن نیاز را ایجاد کرده و راهنمای توجیّهات شده است. برای این تحریفات چه ربطی به علت و ریشه فاجعه ۴ بهمن دارد؟ البته اینان را به جواب آن کسباری نیست، اینان وظیفه خود میدانند که چون غریقی بهر چیزی چنگ بزنند، به نفی هر چیز و هر نظری برای اثبات "وجود و نظر خود" دست بزنند، اتهام وارد نمایند و تحریف و سفطه کنند، اینان براحتی حتی بر واقعیت‌های جنس‌سازی و تجربیات انقلابی نیز چشم می‌بندند، اگر ریشه حوادثی نظیر ۴ بهمن در اسلوب سازماندهی مبارزه و "نحوه کسب قدرت سیاسی" نهفته باشد پس انقلاباتی نظیر چین، ویتنام و کوبا نمی‌بایست و نمی‌توانست به نتیجه برسند و آن احزاب و سازمانها بی‌که در راه پرولتاریا و توده‌هایشان مبارزه میکردند، میبایست همیشه و همه‌روزه در حال آفریدن فجایعی نظیر ۴ بهمن میبودند، برای شرم آور است که برآی اثبات ادعای خود همه آن انقلابات و نحوه کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و توده‌ها را توطئه‌گری و اسلوب سازماندهی مبارزه آنرا فاجعه‌ی جازد، نه آقایان ریشه مسئله در اینجاها نیست، بیهوده آب در هاون میکوبید، ریشه مسئله همانا در سبک کارنا درست و غیر انقلابی تشکیلاتتان، در عدم پای بندی به دمکراسی واقعی و عدم درک و اجرای اصول و معیارهای کمونیستی، در تضاد بین تئوری و عمل و بین بیست سیاسی تان نهفته است، این لیبرالیسم محض است که بجای نقد خود و اعمال خود، وهم و خیالات را مقصود محکوم میسازد، بهرحال، روی همین بحث اتکاء به سلاح

و توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه اندکی مکث می‌کنیم تا اسلحه و روش این مدعیان سینه چاک اسلحه و روش "کمونیستی" بهتر درک و در میان شود. از نظر تئوری مبارزه مسلحانه و جریکهای فدائی خلق، مسئله هم‌راه بودن صورت مطرح نبوده است که چگونه و با چه شیوه‌های میتوان با توده‌ها بطور واقعی ارتباط گرفت و با چه وسیله‌ای عمل و سازماندهی میتوان بقدرت تاریخی توده‌ها، در شرایط جامعه تحت سلطه با تمام تعصبات آن، نقیض و مبارزات توده‌ها و راه آنها پرولتاریا را در راه‌های از سلطه امپریالیسم هدایت نمود و با کمیت با کیفیت خلق بهره‌ری طبقه کارگر شرایط تحقق سوسیالیسم را فراهم ساخت. مثلاً رفیق پوریان جنبه‌ای از رابطه بینا همگونی و توده را چنین توفیق میدهد: "تا با توده خوب... بی ارتباطیم کشف و سرکوبی مساوی آن است. برای اینکه پایدار بمانیم رشد کنیم و سازمان سیاسی با توده‌ها طبقه کارگر را بر وجود آوریم باید ظلمت خف خود را بشکفیم، باید با توده خویش رابطه‌ای مستقیم بوجود آوریم." (ضرورت مبارزه مسلحانه و دتئوری بقاء، صفحه ۲۷)

و سرانجام پاسخ را در اعمال قدرت انقلابی مینویسد و اراشده میکند و یار رفیق مسعود احمدزاده یاد دمی و معتبر به مثال... نگریسته و میگوید: "این حکم اما با درست است که هرگز آگاهی انقلابی توده‌ها را فراگیرد، هر زنده مادی شرایط توده‌ها، به یک نیروی مادی عظیم تبدیل خواهد شد، تنها نیروی که قادر است جامعه را دگرگون کند،

اما مسئله همیشه این بوده که این آگاهی چگونه باید در میان توده‌ها برده شود، چه سازمانها و وسایلی باید این آگاهی را به میان توده‌ها ببرد و از طریق کدام اشکال سازمانی و تخصصی چه شیوه‌هایی از مبارزه میتوان انرژی انقلابی توده‌ها را در مسیر درست خود که به پیروزی انقلاب، به سرنگونی ارتجاع و به تصرف قدرت سیاسی منجر شود انداخت و هدایت کرد،" (مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک، صفحه ۸۲)

اگر خود را به کوشش نزدیک و به این گفته‌ها که... نمونه‌ای از دیدگاه تئوریکهای ماسلحانه است توجه کنیم، بسیار روشن و واضح حق مطلب را ادا شده خواهیم یافت. بنابراین این بخوبی آشکار میشود که جنبه بنیادگذاران سازمان جریکهای فدائی خلق و اندیشه‌های تئوری مبارزه مسلحانه، بلکه این اقلیتی‌ها و امثال آن بوده که به سلاح انگیزه داشته‌اند و اکنون نیز بعد از گذر بر ده سال دو اختلافات درون تشکیلاتی در چهار رهنمون و نداننده آرا به دیدگاهی دیگر نسبت میدهند و تازه بهادشان میافتد که گویا باید به "طبقه کارگر" انگیزه کنند ولی باز هم با تضاد بین حرف و عمل دست... گویمان اند و پس از تصفیه... انشاهات پی در پی، در پیشگاه جنبش مسلحانه توده‌ای خلق کرد فقط لاف میزنند که به طبقه متکی شده‌اند، برامتی که... روشنفکر جماعت برای توجیه... مواضع و مقام خود به هر چه می‌آورد و رفتن منافعی ایجاب کند به هر چه رفتی دست می‌زنند و بپول لندن حتی قضایای بدیهی هندسی را نیز انکار میکنند، نمونه

چنین روشی، برخورد با همسنگ مسئله توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه است که شورایی‌ها شوک زدن به آن به "ظریفکاری" کوچکی دست می‌زنند و بعد قسم از "استدلال" خود سر مست گشته و امر بر او مشتبه میشود که گویا اختلاف دندان شکنی ارائه کرده است، "ظریفکاران" ما، اعمال رهبری پرولتاری بر جنبش مسلحانه‌ای که چه در شهر و چه در روستا توده‌ای شده با شهر را بر خودناهنجا رده و بنیاد به حذف آن دست زده‌اند تا بتوانند بگویند که "این جنبش هر چه بود، تنها در تلاش تغییر و تحولات بورژوازی بود"، آنقدر این جنبش فریبکاری آشکار است که فقط هر چه دیگر ضروری است که روی آن مکث کنیم و با از تئوری مبارزه مسلحانه مطالبی را تکرار کنیم، بلکه از آنان می‌پرسیم که آیا به نتیجه‌ای که از زاویه نظری و عملی از "ظریفکاری" ثان حاصل میشود اندیشیده‌اید؟ آیا مثلاً با حذف رهبری پرولتاریا، از فراروشی انقلاب سوسیالیستی از انقلاب دمکراتیک چیزی باقی میماند؟ آیا مثلاً انقلاب سوسیالیستی نظیر چین، ویتنام و کوبا که توسط تغییرات اساسی در نظامهای اقتصادی - اجتماعی پیشین شده‌اند و هم اکنون نیز به زعم شما بعضی از آنها جزو کشورهای سوسیالیستی محسوب میشوند، اگر اعمال رهبری پرولتاریا از جنبش مسلحانه انقلابی آنها که در شهر و روستا (مستشار و...) توده‌ای شدند، حذف گردد، در آن صورت جز "دولت‌های تغییر و تحولات بورژوازی" بوده‌اند یا شاید دستی که "برادر بزرگ" به سرگوش آنها کشیده‌اند می‌باید آنها را سوسیالیست قلندار کرده است؟

بهر حال "ظریف کاری" و "توسستی" بهمین جا ختم نمیشود ، شعبده بازان ما چشمه های دیگری هم دارند که از کلاه شعبده بیرون آورند . پس از آنکه "اطمینان" دادند که دیگر نسه سلاح بلکه به طبقه متکسسی شده اند (میاداشک کنید!) ، پس از آنکه "ثابت" کردند جنبش مسلحانه سربریده آنها چه در شهر صوده ای شود وجه در روستا در پس "تغییر" و تحولات بورژوازی "است" ، پس از آنکه برای چندمین بار سوگند خوردند که "توهنات اولیه به یک مشی انحرافی را فروریخته اند" و بالاخره پس از آنکه "ثابت" کردند که تمامی این اشکالات و "ریشه فاجعه" در "اسلوب سازماندهی مبارزه" و "نحوه کسب قدرت سیاسی" در مشی مسلحانه بسوه است و تمامی اینها را به گردن این "مشی چریکی" لعنتی و مزاحم که با سماجت ارواح خبیثه هزارگانهی بخوابشان میآید ، گذارشتند ، باز هم به شیرین کاری دیگری دست میزنند و این بار عدم تفکیک و مرزبندی با "اسلوب و روش مشی چریکی" ، علی رغم "مرزبندی سیاسی" اقلیت و اکثریت - که گویا هر سیاستی هیچگونه اندیشه و تفکر و اسلوب و روشی با خود ندارد؟! - از کلاه شعبده در آورده میشود . و با قیافه های حق بجانب و ظلمکارانه ادعا میشود که : "کدام وجه افتراقی تعریف و تمجید از "مبارزات مترقی" و "حق طلبانه" خمینی و "روحانیت مبارز" را در دستگاه فکری اکثریت از روش مبارزه دهقانی و مطالبات ارضی رفیق مسعود احمدزاده تفکیک میکرد؟" ، برآستی در مقابل تحریف و دروغ چه میشود

گفت ؟ با روی هزارپا شنه چرخیدن اپورتونیستها چه میتوان کرد؟ راهی که در پیش پای کمونیستها قرار دارد افشاء و ایزوله کردن اپورتونیستها در عمل و نظراست . شورای عالی به تلاش بیهوده ای برای فریبکاری دست زده است ، برنایوده سنگ بنا گذاشته و در موردی غیر واقعی چنگ آویخته است . کدام تعریف و تمجید از روش مبارزه دهقانی و مطالبات ارضی که تازه با تعریف و تمجید اکثریت خائن از "روحانیت مبارز" و با خمینی قابل تفکیک نیست و در ورای چندین سال از ردیه نویسی "مشی چریکی" باز هم شمارا به کجراه^x انحراف کشانده است ؟ خیالات را کنار بگذارید و به واقعیت ها رجوع کنید . اگر تعریف و تمجید "در کار باشد" این مدافعین ریگای گنجل اقلیت اند که از تحلیل "دقیق" ، موشکافانه و همه جانبه "رفیق احمدزاده از شرایط جامعه تعریف و تمجید کرده اند و حالا بنا به مصالحی به روی مبارک نمیآورند همانطور که در آن موقع بنا به مصالحی در ریگای گنجل آن سطور را مینوشتند . شاید آن "تعریف و تمجیدها" شامل تحلیل از اصلاحات ارضی و مطالبات ارضی و روش مبارزه دهقانی نمیشده است ؟ برآستی اینان از خود پرسیده اند که چرا معتقدین به تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی ، هم تاکتیک با زعم شما "مشی چریکی" در سال ۵۸ در "مآچه" با رفیق اشرف دهقانی" با اتکاء به همان اندیشه و تفکر ، اسلوب و روشی که وقیحانه از عدم تفکیک و مرزبندی آن با اندیشه و تفکر و اسلوب و روش اکثریت صحبت میکنید ، همین رژیم جمهوری

اسلامی را رژیمی ضد خلقی ، ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم اعلام نمودند ، در حالی که مدعیان امروزی "اسلوب و روش کمونیستی" بنا به اعتراف خود و گواهی واقعیتها رژیم رایگان ، دوگان میکردند ، چرا اینان اشغال سفارت آمریکا را مضحکه و در تقابل با جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها خواندند و لسی مدعیان "شقاد" امروزی بنا به اعتراف خود به مطای سفارت رفتند و در سجده به گامی و وحشی به پیشنمازی موسوی خوئینی ها نماز "گزاردند و اکنون فقط از ضد انقلابیونی نظیر فرخ نگهدارها با تطهیری این چنین بعنوان "نمایندگان مطالبات بورژوازی" و ضد امپریالیستی جنبش پوپولیستی سخن میگویند و درباره خود خم به ابرو نمی آورند و با "روحیه" ای تمام از تشابه و عدم افتراق اسلوب و روش دیدگاه رفیق احمدزاده و اکثریت خائن دم میزنند؟ آیا این تشابه تراشی سفسطه آمیز همان اسلوب و روش آشنای دیر پا نیست که شورای عالی نیز گاملا از آن بهره مند است ؟ بفرض که تعریف و تمجید ادعائی از روش مبارزه دهقانان و مطالبات ارضی واقعیت داشته باشد و ادعای همسانی آن با تعریف و تمجید اکثریت از "روحانیت مبارز" ، آنهم با نسوک زدن و مغلطه کاری زمینده با اصطلاح "مدافعین سینه جاک" اسلوب و روشهای کمونیستی "نه نیست و نتیجه ای جز فریب اذهان بوجود نمیآورد . نه رفقا ، در بررسی و نقد دو اسلوب و روش نیز همانند بررسی و نقد دیدن تشابهات - بفرض وجود

امپریالیستها برای ۵۰۰

ادامه از پشت جلد

وحشیانه جنبش کارگری و توده‌ای، ائتلاف انرژی عظیم جوانان آنهم در شرایط بحرانی موجود، انرژی‌ای که میبایست در جهت نابودی سلطه امپریالیسم ورژیم وابسته به آن بکار رود، سرپوش گذاشتن بر بحران اقتصادی عمیق کنونی، بحرانی که بیشک ناشی از بحران جهانی نظام امپریالیستی است و تا رضایتیها و کمبودهای ناشی از آن تحت عنوان جنگ، جنگی که تمام سعی جمهوری اسلامی و امپریالیستها در آن است که آن را مستقل از منافع امپریالیستها جلوه دهند، اختصاص بودجه عظیمی از درآمد کشور به جنگ، برای خرید میلیاردها دلار تجهیزات و وسایل نظامی ویا وسایلی که بطور غیرمستقیم در خدمت این جنگ ویرانگر قرار میگیرند، گرچه سوده‌های سرشاری را نصیب انحصارات و کمپانی‌های امپریالیستی سازنده این وسایل مینمایند، در همان حال به خانه‌خرابی هرچه بیشتر کارگران و دهقانان و همه توده‌های تحت‌ستم انجامیده و به اعتبار غارت هرچه بیشتر توده‌ها امکانپذیر میگردد، خرابی و ویرانی بخشهای مهم اقتصادی از جمله کشاورزی و صنایع بر اثر این جنگ ویرانگر که با توجه به وابسته بودن نظام موجود به نظام جهانی سرمایه‌داری، نتیجه ناگزیر آن سوده‌های با زهم کلان تری برای سرمایه‌داران و وابستگی هرچه بیشتر کشور به امپریالیستها را در پی دارد، اخراج و بیگساری میلیونها کارگر و کشاورز تحت

پوشش جنگ و پرتاب آنها به صفوف ارتش ذخیره کار و از این طریق کاهش مداوم و بلاانقطاع دستمزدهای واقعی در حالیکه با توجه به بحران امپریالیستی روزبه روز بر قیمتتها و تورم گرانی افزوده میشود و بالاخره از "برکات" این جنگ لعنتی بایست افزایش و توسعه نیروهای سرکوبگر برای رویارویی با مباحرات توده‌ها که بدون شک بر اثر شرایط گفته شده در بالا در اوج نارضایتی بسر میبرند را نام برد. توده‌هایی که در شرایط بحرانی موجود و در نتیجه رشد روزافزون نارضایتی‌شان خواهان سرنگونی هرچه سریعتر جمهوری اسلامی میباشند و درست در پاسخ به این مسئله است که بمنظور مقابله با جنبش توده‌ای، رژیم دست‌نشانده جمهوری اسلامی، سازمان سرکوبگر گسترده‌ای را ایجاد کرده است که در قالب نیروها و نهادهای گوناگون و رنگا رنگ به فعالیتهای ضد انقلابی خود مشغولند و وظیفه این دستگاه سرکوبگر در وهله اول، خاموش کردن و یا در نطفه خفه کردن هرگونه اعتراض توده‌ای میباشد. ضمن آنکه وظیفه دارد تشکلهای انقلابی را که میتوانند باعث آگاهی و تشکل توده‌ها گردند از هم بپاشاند و یا از ایجاد تشکلهای انقلابی جدید جلوگیری نماید و تنها در این صورت است که رژیم میتواند امنیت مورد نیاز سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی را فراهم نماید. در زمینه بین‌المللی: به "برکت" این جنگ امپریالیستها میکوشند تا بر بخشی از بحرانهای خود فائق آیند و در همان حال توانائی خود را در سرکوب جنبشهای

انقلابی در منطقه قزونی بخشند. جنبشهایی که به اعتبار پتانسیل اعتراضی توده‌ها و مباحرات قهرمانانانشان منطقه را به یکی از کانونهای گرم انقلاب در جهان تبدیل کرده‌اند.

میلیتاریزه کردن خاورمیانه و خلیج فارس به بهانه جنگ ایران و عراق به منظور با صلاح جلوگیری از گسترش جنگ باعث گردیده است که سالانه میلیاردها دلار اسلحه به کشورهای این منطقه صادر شود. رشد و گسترش صنایع نظامی (۳) امپریالیستها تسویه حساب جناحهای گوناگون امپریالیستی از طریق این جنگ، برای نمونه میتوان به نقش این جنگ در "جنگ قیمتتها" در زمینه نفت و سودهای کلانی که شرکتهای بیمه از رهگذر این جنگ به جیب میزنند اشاره کرد. برای مثال سال گذشته یکی از بزرگترین ناوگانهای تجاری - نفتی جهان که متعلق به یک شرکت خصوصی ژاپن بود در نتیجه چند عامل از جمله عامل جنگ ایران و عراق - با لگرفتن نرخ بیمه‌ها و ... - ورشکست گردید و جای خود را به رقیبان سپرد.

در نتیجه همانطور که در بالا توضیح داده شد این جنگ "برکات" ←

۳ - که المعنه ناشی از جنگ ایران و عراق نبوده بلکه حاصل سیاستهای تجار و گرانه امپریالیستها در سطح جهانی است که بی شک جنگ طولانی ایران و عراق با توجه به حجم سلاحها و مهماتی که در آن مصرف میشود بمثابه پارامتر مهمی در آن باید حساب آید.

بهبود از عهده رژیم ایران به تنهایی برنمیآید و اگر عنصر وابستگی را نیز به این مسئله اضافه کنیم آنوقت میتوان به ایجاد منافع امپریالیستها در هر چه طولانی تر کردن این جنگ و سپس با هجوم سرمایه‌ها ایشان برای به اصطلاح بازسازی ویرانیهایی به ایران پی برد. هم اکنون نیز جمهوری اسلامی بر همه سرمایه‌ها و منابع کشور چوب حراج زده است و مسلماً بعد از پایان جنگ نیز - البته به فرض وجود جمهوری اسلامی یا هر رژیم وابسته به امپریالیسم دیگر - به این سیاست خود ادامه داده و کشور را هر چه بیشتر در گرداب وابستگی فرو خواهد برد.

عدم توانایی ایران در زمینه سرمایه‌گذاریهای مختلف چه در حال حاضر و چه در آینده آن واقعیتی است که باعث خوشحالی سرمایه‌داران و اظهار نظر وزیر بقیه در صفحه ۳۴

بودنش خسارات عظیمی را به هر دو کشور وارد ساخته است. در رابطه با ایران و بر اساس گفته‌های سردمداران و دست‌اندرکاران رژیم حجم خسارت مادی تاکنون به بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ گردیده است. بخشهایی که مستقیم و غیرمستقیم از قبل جنگ خسارات دیده اند عبارتند از صنایع و بخصوص صنعت نفت و ذوب آهن و پتروشیمی، کشاورزی و طرحهای عمرانی با اضافه ویرانی بیش از ۵۰ شهر و سه هزار روستا و بالاخره کشته و معلول شدن صدها هزار نفر که میتوان آنها را ناپودی بخشی از نیروهای مولد و کارآمد و سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه به حساب آورد.

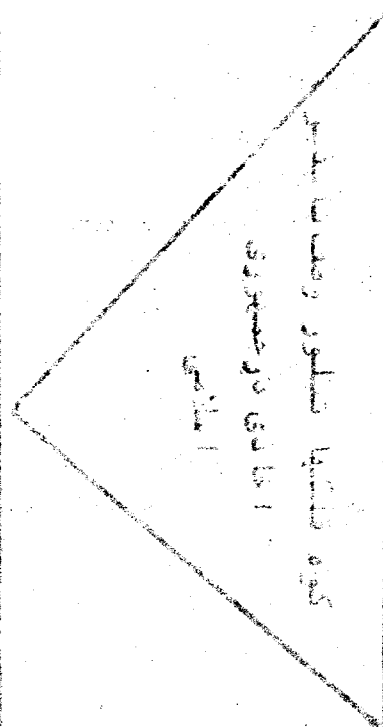
بازسازی ویرانیهای گسترده ناشی از جنگ، در آن هنگام که این جنگ پایان پذیرد که بدون شک حجم این خسارات در آن زمان از آنچه تاکنون مطرح میشود بسی بیشتر خواهد بود، مستلزم سرمایه‌گذاریهای عظیمی است که

زیادی برای امپریالیستها در برداشته است. در حالیکه باید اضافه نمود که آن عواملی که در زمینه داخلی شمرديم نیز بطور مستقیم در ارتباط با منافع امپریالیستها قرار دارد چرا که ایران را باید بعنوان جزئی از نظام جهانی امپریالیستی در نظر گرفت.

البته قابل تاکید است که جدا از کشورهای امپریالیستی دولتهای وابسته‌ای نظیر ترکیه و پاکستان و امثالهم نیز با ایجاد رابطه تجاری و اقتصادی گسترده با جمهوری اسلامی سودهای سرشاری را نصیب خود کرده و به این وسیله میکوشند بر بحرانهای اقتصادی خود تا حدودی فائق آیند.

آنچه گفته شد بخشی از دلایلی بود که شروع و ادامه جنگ را ضروری میساخته تاکنون باید به این نکته توجه نمود که این جنگ با توجه به ابعادش و طولانی

* گروه فلسکها، تیلور و صف ناپذیر
کمک رسانی دانش آموزان به جبهه‌ها



من همچنان ایستاده‌ام!

من همچنان ایستاده‌ام!

زنجیر به پای و در شمارش انتقام
بازخم تازیانه دژخیم

من همچنان ایستاده‌ام!

مصمم و سرکش

پرجوش و استوار

بگذار چهل بار شلیکم کنند

بگذار چهل بار

بردار کشیده و اعدام کنند

من همچنان ایستاده‌ام!

اگر به تخت تازیانه دژخیم

قطعه ، قطعه

هزار تکه‌ام کنند

اگر هزار بار

هزاران بار اعدام کنند

اگر هزار بار بسوزانند و

به باد بسپارند و

خاکسترم کنند

زنجیر به پای در شمارش انتقام

من همچنان ایستاده‌ام!

بگذار جلادان

به تعداد " من "

صدها هزار بار

بر سجاده‌های خون و در ظلمت اختناق

به بارگاه ناخدایان نیایش کنند:

که کشتیمشان،

دیگر تمام شد!

بگذار بذرجنون

در خون من غوطه‌ور شود

بگذار که خاک

از ذرات خاکسترم جوانه‌زند، ولیک

زنجیر به پای و در شمارش انتقام

بی هیچ دریغ و درد

من همچنان ایستاده‌ام!

در بطن فریاد و در "اعتصاب"

در پتک و در قلب خاک

در خوسه‌های خشم داس

بر تارک تفنگ

در شکوفه‌های سرخ خون

در عشق و انتظار

بقیه در صفحه ۲۳

هنگامیکه این مقاله برای چاپ آماده میشد اطلاع یافتیم که زندانیان قهرمان زندان اوین در اعتراض به فشارها و اعمال وحشیانه جلادان زندان اوین به اعتصاب غذا دست زده‌اند و مزدوران رژیم برای درهم شکستن این حرکت متحدانه و قهرمانانه ضمن ضرب و شتم وحشیانه کمونیست‌ها و مبارزین بنده اوین، عده‌ای از زندانیان سیاسی دلیرمیهن ما را اسبانه به جوخه‌های سرک سپرده‌اند. ضمن تجلیل از مقاومت اسرای در بندمان و با بزرگداشت یادشهادی عزیزمان ایمان داریم که خلقهای مبارز ایران هرگز خاطره این جانبازیها را فراموش نکرده و عا ملین این جنایت هولناک را بسزای اعمال ددمنشانه‌شان خواهند رساند.

مقاومت زندانیان سیاسی جلوه‌ای

از مقاومت قهرمانانه خلق ماس

در پی سیل بنیان برافکن خیزش میلیونی توده‌های تحت ستم و زنجیر میهنمان در سالهای ۵۶ - ۵۷ بر علیه نظام وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی، و همزمان با ضربات خردکننده‌ای که میرفت تا توسط این خلق بی‌خاسته، دستگاه بوروکراتیک - نظامی وابسته حاکم بر ایران رازیر فشار خردکننده خود تهدید به گسست و از هم پاشیدگی نماید، یکی دیگر از سنگرهای ضد خلقی به توسط دستان توانای کارگران و زحمتکشان فتح گردید و خلق مادر آن زمان به یکی از آرزوهای دیرینه خود که همانا از بندرها نیدن چند هزار تن از فرزندان فدائی و مجاهدومبارز زندانی خود، از سیاهالها و دهلیزهای مرگ بود دست یافت. هزاران تن از بهترین فرزندان کمونیست و مبارز خلق بر روی شانه‌های توانمند توده‌ها به آغوش خلق خود بازگشتند تا

←

با پیکر های آسیب دیده و مجروح ناشی از جنایات شاهنشاهی ولی بارو حیه ای صدچندان به نبرد خود بر علیه تمامی مظاهر نظم امپریالیستی موجود و فتح سایر سنگر های دشمن ضد خلقی ادامه دهند.

شعار "زندانی سیاسی، با قهر انقلابی، آزاد باید گردد" جاری بر زبان توده ها، در اثر مبارزات انقلابیشان و مجموعه شرایط خود ویژه آن زمان که امپریالیسم را موقتا و بطور تاکتیکی در مقابل جنبش توده ای در موضع دفاع و عقب نشینی قرار داده بود، تبدیل به واقعیت شد و خلق ما حداقل درسی که از این تجربه گرانبها آموخت آن بود که با مبارزه و جنگیدن با ضد خلق چگونه میتوان درخواست های برحق خود را بر او تحمیل کند. سرانجام بر اثر مبارزات وسیع توده ها که جنبش انقلابی خلق از هراس است آن دنیایی تجربه آموخت و شاه خائن بعنوان مظهر غارت و سرکوب و دیکتاتوری آنروز امپریالیسم در ایران سرنگون شد. اما کار به قطعیت نرسید و نمیتوانست نیز به قطعیت برسد. امپریالیسم که عظمت و پتانسیل آن روز نهضت توده ای را بسیار واقع بینانه ارزیابی کرده و طعم ضربات آن را نیز چشیده بود، با فدا کردن سنگ زنجیری خود یعنی شاه، حساب سرنوشت خود را خیلی زود و با قاطعیت از او جدا نمود. شاه رفت ولی ارتش امپریالیستی باقی ماند. شاه رفت ولی اساس دستگاه غارتگر دولتی سابق با وجود آسیب دیدگی برخی از اجزایش همچنان پا برجا ماند.

شاه و حکومت جنایتکارش بر اثر جنبش قهرمانانه توده ها به

زباله دان تاریخ پرتاب شدند، اما حکومت جدیدی که در اشرار تعویض مهره های امپریالیستی بر بستر مبارزات توده ها و با استفاده و بهره گیری از توهّم آنان و همچنین تئوری های تسلیم طلبانه اکثر نیرو های درون جنبش، بر موج خیزش های انقلابی آن زمان سوار شده بود با وجود تمامی عوام فریبی های خیلی زود چهره واقعی و ضد خلقی خود را در انظار توده ها نمایاند و از همان اوان معلوم شد که دولت مآرند جدید چیزی جز محصول تجدید آرایش جنگی امپریالیسم در مقابل خلق نیستند، اگر چه این بار چهره وابسته خویش را در زیر نقاب "اسلام" مخفی ساخته و فریادهای "ضد امپریالیستیشان" گوش فلک را کر کرده باشند. بدینگونه بود که از نخستین روزهای قیام دلاورانه بهمن ماه، امپریالیسم با تکیه بر ارتش ضد خلقی که بخشهای آسیب دیده اش با همان سیستم بازسازی شده بود و با بهره گیری از سایر زاده های نو پرداخته آن همچون "سپاه پاسداران" و..... این بار در قیام جمهوری اسلامی به ترمیم ضربات وارده از قیام برپیکر خویش پرداخت. با نام "انقلاب" به سرکوب انقلاب پرداخت و به اسم "آزادی" هرگونه مظهر آزادی را در بند کشید و در یک کلام با قدرت و قسارت تمام شروع به تسخیر سنگر های از دست رفته و دستاوردهای انقلابی توده ها، یکی پس از دیگری نمود.

خلع سلاح عمومی توده ها سرکوب حداقل تشکلهای کارگری بوجود آمده از شرایط شبه دمکراتیک پس از قیام، سرکوب و حشبانسه جنبش خلقهای عرب و ترکمن و کرد و..... جلوه های از جنایاتی

بود که رژیم جدید بنا به ماهیت طبقاتیش و در اجرا و پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در میهن ما بدانها دست یازید و خیلی سریع واقعیت خود را بعنوان یکی از جنایتکارترین حکومت های دست نشانده در ایران و منطقسه در اذهان توده ها تثبیت نمود. اما از آنجا که تمامی این جنایات و سرکوبها مستلزم به غل و زنجیر کشیدن بسیاری از فرزندان پيشاهنگ و آگاه و انقلابی خلق بود که حال اکثرا در سازمانهای انقلابی مختلف متشکل شده و بر علیه بیدادگریهای رژیم جدید با خاسته بودند. پس به موازات چنین اقدامات سرکوبگرانه ای میبایست زندانها و دهلیزهای مرگ شاهنشاهی که به دستشان توانای خلق درهم شکسته شده بود توسط حاکمیت جدید، نوسازی شده و برای ادامه و پیشبرد مقاصد ضد خلقی آنان آماده گردد. با این تفاوت که این بار دستگاههای تبلیغاتی مزدوران جدید امپریالیسم به روشنفکران انقلابی این بهترین فرزندان خلق، به جای نامهای "خرابکار" و "تروریست" لقب "ضدانقلاب" و "مخرب" و..... میدادند و در کنار شهربانی و ژاندارمری و دیگر ارگانهای سرکوبگر که آمواج مبارزات توده ها بوده و در شرایط جدید، کارآیی سابق خود را از دست داده بودند، "سپاه پاسداران" و "کمیته های انقلاب اسلامی" و دیگر ارگانها و نهاد های سرکوب را با زمان دادند و خیلی زود همانهایی که با اصطلاح شعار انحلال ساواک را سرداده بودند با تشکیل "ساوا" و کمیته های هماهنگ کننده، نیروهای سرکوب زرادخانه خود را برای یورش هرچه وحشیانه تر به خلق تکمیل نمودند، تا با

←

←

تعقیب و پیگرد و دستگیری و شکنجه انقلابیون و زندانی نمودن آنها جنبش انقلابی را از پیشرویهای خود بازدارد و در این رابطه، مزدوران تازه به قدرت رسیده، وحشیگریهای از خود نشان دادند و به چنان جنایتهایی در زندانها و سیاهچالهای ضد خلقیشان در حق انقلابیون دست یازیدند، که گوی سبقت را از رژیم مزدور شاه نیز ربودند و در این زمینه تا آنجا پیش رفتند که هزاران تن از مبارزین و انقلابیون این مرز و بوم را به وحشیانهترین اشکال به شهادت رسانیده و زندانها را مملو از کمونیستها و آزادیخواهان نمودند که صد البته، دیگر زندانهای شاه کفایت کارشان را نمیداد و در نتیجه هر مکانی را که به دست آوردند آن را به زندانی برای مبارزین بدل ساختند و با استفاده از کثیفترین شیوههای شکنجه و اذیت و آزار، ودهها ترفند سرکوبگرانه دیگر، حکومت جدید، تنها گوشه‌ای از کارنامه سیاه خود را در مورد زندانیان سیاسی به نمایش میکشاند.

و این در حالی است که بخشی از افکار عمومی جهانی و محافل بین المللی و کمیته‌های دفاع از حقوق بشر نیز وا دار به واکنش و محکوم نمودن این جنایتگشته‌اند و از همین رونق مهم انقلابیون و آزادیخواهان در بند، در افشای چهره جنایتکار این رژیم در افکار عمومی مردم جهان و در انظار توده‌های تحت ستم میهنان روشن میگردد. و در همین رابطه است که زندان به یکی از دژهای خونین انقلاب ضد امپریالیستی و رها نشیخ خلقهای ایران، در جنبش انقلابی به واقعیت‌های

انکارناپذیر تبدیل گردیده است. امروزه در حالیکه جنبش انقلابی درگیر نبرد سرنوشت‌سازی با امپریالیسم و سگان زنجیریش در ایران است، دهها هزار تن از عناصر پیشاهنگ و فعال و مبارز این جنبش در سیاهچالها و مسلخهای مرگ جمهوری اسلامی با شرایط بسیار دهشتناکی دست و پنجه نرم میکنند.

بیدادگاههای فرمایشی و ضد خلقی، بهره‌گیری از انواع و اقسام شیوه‌های آزار و اذیت و شکنجه‌های جسمی و روحی از جمله استفاده از کابل و شلاق، سوزاندن بدن به توسط سیگار، میخ‌کوب شدن به تختهای شکنجه، تجاوز و تعدی که زندانیان به توسط آنها در بسیاری موارد تا حد مرگ شکنجه میشوند و به قتل میرسند، ایجاد محیط رعب و وحشت و فشار و سرکوب، کشتارها و اعدامها و ترورهای وحشیانه و بدون محاکمه، شیوع انواع و اقسام بیماریهای پوستی و عفونی و..... چند نمونه از جنایتکارانه‌ترین شیوه‌ها و خطراتی است که انقلابیون و مبارزین در بند، در شرایط فعلی در این دهلیزها و سراسراها و خانه‌های امن به شمار مزدوران، در معرض برخورد دائمی و مبارزه با آنها قرار دارند. در عین حال که رژیم با گروگانگیری خانواده‌ها و نزدیکان انقلابیون با پیگرد و ضرب و شتم و گاه قتل آنها به خاطر تجمع و درخواست ملاقات با فرزندان شان، فشار روحی بسیار شدیدتری را به زندانیان سیاسی وارد میسازد. ✕

اما این تنها یک روی سکه است. از سوی دیگر زندانیان سیاسی، درگیر مبارزه‌های بی‌سبب و مشکلتربا عوامل و جریانهای دیگری نیز هستند. که بدون شک در

چارچوبه شرایط وحشتناک زندانهای جمهوری اسلامی فشارهای روحی خاص خود را به آنها وارد میسازد. وجود انقلابی‌نماها و عناصر مترزل و نا ستوار در زندان که با سپری شدن روزهای خوش و آفتابی مبارزه علنی است اکنون به منجلاب بریدگی و خیا نیست کشیده شده‌اند.

حضور خائنان توده‌ای اکثریتی که با وجود آنکه سالها سنگ نوکری رژیم را به سینه میزدند، حال توسط همان رژیم و بسدون هیچگونه "رحم" و "مروتی" به زندان افکنده شده‌اند، و اکنون نیز در ادامه همان شیوه‌های جنایتکارانه شان بعنوان بازجو و شکنجه‌گر و تیر خلاص زن و جاسوس در داخل زندان انجام وظیفه میکنند.

بزور با سیفیم، شکست روحیه مقاومت، انفعال و سرخوردگی و بازتابهای خطرناک احتمالی ناشی از آن در بین انقلابیون بعنوان "تسلیم" تاکتیکی و حفظ خود و.... نیز جبهه‌ای دیگر از مبارزه قهرمانانه و خستگی‌ناپذیر این مبارزین و انقلابیون بادشمن ضد خلقی و شیوه‌های سرکوبگرانه‌اش میباشد که مطمئنا روحیه و عزم انقلابی و بیگیری و جسارت هر چه بیشتری را میطلبد. بسادوک چنین شرایطی است که در قبال

ادامه و پیشبرد این مبارزه وظایف بس سنگینی بر دوش همزمان اسپرودر بند ما قرار دارد. تحت شرایط مرگبار فعلی و در درجه اول، زندانیان سیاسی در مبارزه خطیر کنونی شان در پشت میله‌ها و در سیاهچالها بر علیه دشمن مشترک - که بی تردید هر گام آن مواجهه با مرگ را در خود دارد - صرف نظر از اختلافات خطی و ایدئولوژیکی و منطبق بر ضروریات مبارزاتی به

فربیکاری "ادامه کدام....."

ادامه از صفحه ۱۵

تشابهات در بحث مورد نظر - و ندیدن تفاوتها کار را به یک اسلوب و روش الگو بردارانه و متافیزیکی ختم میسازد و با اسلوب و روش کمونیستی فرسنگها فاصله دارد، تا چه رسد به تشابه سازی غیر واقعی که در این صورت عمق گنبدیدگی آن اسلوب و روش اپورتونیستی یعنی فربیکاری آگاهانه را بر ممالا میسازد. حال ببینیم واقعیت چیست و در دیدگاه رفیق احمدزاده با چه اسلوب و روشی به مبارزه دهقانان و مطالبات ارضی برخورد شده است؟

رفیق احمدزاده در اشهر معروفش با تحلیلی تاریخی از سیر تکوین فتوایسیسم - از انقلاب مشروطیت تا کودتای رضا خان و "انقلاب سفید" - و چگونگی عملکرد سلطه امپریالیستی به بررسی اصلاحات ارضی و موقعیت دهقانان میپردازد و نتایج چندی ارائه میدهد. او بدرستی بیان میکند که: "هدف از اصلاحات ارضی بسط سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه داری بوروکراتیک و وابسته در روستاها بوده است" و آنگاه پس از بررسی نحوه اجرای اصلاحات ارضی و نتایج و پنی آمدهایش بر وضعیت دهقانان، به مقایسه تاریخی این اصلاحات امپریالیستی با یک اصلاحات ارضی بورژوازی کلاسیک - با در نظر گرفتن تفاوتهای اساسی دو شرایط مورد مقایسه - دست میزند و نتیجه میگیرد که: "بدین ترتیب اصلاحات ارضی نه تنها دردی از دردهای اکثریت روستائیان رادوانکرد، بلکه در مقیاس

وسیع تضاد رعیت و ارباب را در تضاد دهقانان با بوروکراسی و ماشین سرکوب کننده دولتی جمع کرد. ... تضادی که بکرات به برخورد های مسلحانه کشید شده، مبین تضاد عمیق دهقانان با ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم است". و در بررسی مشخص مرحله انقلاب میگوید که: "بدین ترتیب هر چه فتوایسیسم بعنوان یک شیوه تولید عقب تر نشسته است و بنا بر این هر چه دولت مآهیتا و صورا بورژوازی تر شده است، از آنجا که اصلاحات ارضی در جهت منافع دهقانان کار نکرده، هنوز هم مثلاً شعار "زمین به کسانی که روی آن کار میکنند باید بطور رایگان تعلق بگیرد" و "لغو هرگونه باج دولتی" شعارهای اساسی انقلاب برای دهقانان است". و در بحث مشخص خط مشی میافزاید که: "در حقیقت در شرایطی که پایگاه عمده انقلاب در روستا قرار دارد. و در شرایطی که توده های روستا زهر گونه امکان تشکل و ارگانهای مبارزه کلاسیک اقتصادی - سیاسی همچون اتحادیه و سندیکا محرومند، بنظر میرسد که تنها شکلی از عمل که میتواند روستائیان را متشکل سازد مبارزه مسلحانه است و تنها سازمانیکه میتواند به آن تشکل و اتحاد بخشد، سازمان سیاسی - نظامی است". اینها خطوطی از دیدگاه ثنوری مبارزه مسلحانه درباره مطالبات ارضی و روش مبارزه دهقانی است که بزعم شورای عالی با تعریف و تمجید و سازشکاری و دنباله روی اکثریت خائن از رژیم خمینی هم اسلوب و روش است (!!) همانگونه که روشن است در اینجا در خطوط کلی از مطالبات ارضی و روش مبارزه

دهقانی سخن رفته است و رفیق احمدزاده وارد بحث جامع و مستقل مطالبات ارضی و روش مبارزه دهقانی نشده است زیرا تمام هم او متوجه تحلیل از شرایط جامعه و ارائه راه انقلاب میباشد ولی در همین بررسی فشرده با حرکت از بررسی تاریخی - مشخص اوضاع، با تحلیل مشخص از شرایط مشخص و با ارزیابی جزء در پرتو کل، عین اسلوب و روش دیالکتیکی را بکار گرفته است و در پرتو آن خطوطی از مطالبات ارضی و روش مبارزه دهقانی را از موضع پرولتاریای آگاه ایران طرح میکند، در حالیکه اقلیت (شورای عالی) نه تنها آنرا نفهمیده است بلکه آگاهانسه آنرا تحریف و لاپوشانی میکند و ذهنیات و تلقیات جعلی خود را بجای آن مینشانند. بگذریم از اینکه حتی گوشه ای از مطالبات ارضی و روش مبارزه دهقانی خود را ارائه نکرده است تا اسلوب و روش آن بر همگان آشکار گردد. بهر حال اثبات ادعای همسانی این اسلوب و روش با اسلوب و روش اکثریت خائن، با سنگینی بار افترا برگردانده شورای عالی مفتتری قرار دارد و اگر جسارت "نقادی" داشته باشد باید به اثبات آن بپردازد تا اسلوب و روش شان فربیکارانه تلقی نگردد.



گزیده‌هایی از رادبو صدای جریکها

بر علیه اعرام کارگران

به مسلخ‌های جنگ امپریالیستی

بیا خیزید

کارگران مبارز!

رژیم مزدور خمینی که در اجرای سیاست امپریالیسم در منطقه، ایران را به صحنه جنگی ارتجاعی و ویرانگر تبدیل کرده است برای تامین نیروی انسانی این جنگ نکبت‌بار به هروسيله‌ای متوسل میشود و هرروز به شکلی توده‌های ستم‌دیده ما را تحت فشار میگذارد تا آنها را راهی مسلخ‌های این جنگ امپریالیستی سازد. این جنگ که تنها در جهت منافع امپریالیستها و سگهای زنجیریش سازمان داده شده است کاملاً بر علیه منافع توده‌ها و طبقه کارگر بوده و از آنجا که جنگی امپریالیستی است کارگران به هیچوجه نباید در آن شرکت نمایند. منافع طبقه کارگر در نابودی این جنگ و آن نیروهای استکبارانه سازمانده و هدایت‌کننده این جنگ ارتجاعی میباشد.

جمهوری اسلامی برای پیشبرد این جنگ ارتش خود را نه از سرمایه‌داران و آخوندهای مفتخور وابسته به این طبقه بلکه از کارگران و دهقانان و توده‌های تحت ستم میهنمان فراهم میسازد. و از آنجا که توده‌ها مخالف این جنگ میباشد و به درستی عنوان میکنند که چرا باید در جنگی که منافعش به جیب امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته است، قربانی شوند مقاومت توده‌ای در

بقیه در صفحه ۲۸

فقر و فلاکت برای توده‌ها

نفث مجانی برای سوریه

حلقهای قهرمان ایران!

چند روز پیش دولت میرحسین موسوی این سگ زنجیری امپریالیسم لایحه‌ای به مجلس ارتجاع ارائه داد که بر اساس آن قرار است، جمهوری اسلامی یک میلیون تن نفث خام بصورت مجانی در اختیار رژیم جنایتکار سوریه قرار دهد. مجلس ارتجاع نیز این لایحه را با تصویب دو فوریت در دستور کار خود قرار داد تا هرچه زودتر با تصویب آن، شرایط را برای این حاتم‌بخشی و قیحانه آماده سازد.

حال در شرایطی که جمهوری اسلامی هر روز از کمبود ارز مینالند و اکثر نیازمندیهای طبیعی توده‌ها را تحت عنوان نبود بودجه تامین نمینماید، در شرایطی که رژیم از تامین حداقل معاش روزانه مردم عاجز است، چه شده است که جمهوری اسلامی میتواند نفث مجانی در اختیار سوریه قرار دهد؟

در شرایطی که کارخانه‌ها تعطیل میگرددند و کارگران بدون هیچگونه تائینی اخراج میشوند، در شرایطی که مردم ما برای تامین هرکالائی باید ساعتها در صف بایستند تا گوشه‌ای از نیازهای خود را از طریق کوپنهای دولتی تامین نمایند، در شرایطی که در این سرمای زمستان توده‌های زحمتکش ما از تامین حداقل نیازهای سوختی خود عاجزند و باید

بقیه در صفحه ۲۹

پیرامون روابط پنهانی

جمهوری اسلامی و آمریکا

سه سال پیش یعنی در سال ۶۲ رفیق اشرف دهقانی در پیامی خطاب به خلقهای قهرمان ایران، ضمن تاکید مجدد بر وابستگی رژیم خمینی به امپریالیستها به شنوندگان و خوانندگان خود توصیه کرد، که هرکجا خمینی کلمه اسلام را بکار میبرد آنها بجای این واژه کلمه امپریالیسم را قرار دهند تا معنی حقیقی گفته‌های این مزدور را دریا بند به این وسیله رفیق اشرف قصد داشت در حالیکه عمق وابستگی جمهوری اسلامی را به امپریالیستها نشان میدهد در همان حال ریاکارانه بودن تبلیغات این مزدوران را نیز آشکار سازد. چرا که برآستی زمانیکه خمینی میگوید به اسلام بیا نیشید و اسلام حامی ماست یعنی به منافع امپریالیسم بیا نیشید یعنی امپریالیسم حامی جمهوری اسلامی است.

اکنون سه سال پس از آن پیام، گوشه‌ای از روابط پنهانی جمهوری اسلامی و آمریکا از پس پرده بیرون افتاده و عمق عفونت و گندیگی امپریالیستها و نوکیر جیره خوارش جمهوری اسلامی را به جهان نشان داده است.

در آبان ماه سال جاری بعد از یک سلسله کشمکشها در هیئت حاکمه که به دستگیری جمعی از هواداران منتظری انجامید در یکی از روزنامه‌های لبنانی خبری منتشر شد که حکایت از روابط پنهانی جمهوری اسلامی و آمریکا و فروش اسلحه از جانب آمریکا به جمهوری اسلامی مینماید.

بقیه در صفحه ۲۴

درگیریهای حزب دمکرات و کومه‌له

و ضرورت آتش بس بدون قید و شرط

از صفحه ۶

درستی بر آتش بس بدون قید و شرط تاکید نموده است و بارها آمادگی خود را برای آتش بس و سرانجام مذاکره با حزب دمکرات اعلام کرده است بنا بر این موضوع کومه‌له مبنی بر قبول آتش بس بدون قید و شرط بعنوان یک موضع سیاسی درست و منطبق بر خواست توده‌ها و تمامی نیروهای است که جنگ غیر انقلابی دونیرو را محکوم می‌سازند. و بهمین دلیل با زهم مسئولیت طرف دیگر درگیریها یعنی حزب دمکرات در تداوم جنگ برجسته میگردد. بنا بر این، مسئولیت عمده ادامه این جنگ غیر انقلابی بر عهده حزب دمکرات بوده و این حزب وظیفه دارد که هر چه زودتر آتش بس بدون قید و شرط را پذیرفته و در جهت مذاکره با کومه‌له برای رفع تضادها و اختلافات فیما بین دو سازمان حرکت نماید. برای این اساس ما با اردیگسر از حزب دمکرات مصرا می‌خواهیم

که از اصرار بر مواضع غیر اصولی خود دست برداشته و با پذیرش این شعار اصولی بطور جدی در جهت رفع این معضل و در نتیجه در جهت منافع خلق کرد گام بردارد. بدون شک از یکسو جنبش خلق کرد برای پیشرویهای آینده خود به وحدت درونی سازمانهای مبارز نیاز مند است و از سوی دیگر، درگیریهای غیر انقلابی کنونی به مهمترین گره بر سر این راه تبدیل شده است. در این حال روشن است که حزب دمکرات هر چه بیشتر بر تداوم این درگیریها پای فشارد به همان اندازه در اذهان توده‌ها بمثابة حزبی معرفی خواهد شد که نه تنها به منافع جنبش خلق کسود نمی‌اندیشد و بیشترین مسئولیت را در ادامه وضع موجود داراست بلکه برای منافی جدا از منافع خلق کرد برای درگیریها اصرار می‌ورزد، در نتیجه خلق کرد بی تردید حق دارد به

این امر بیاندیشد که اگر منافع جنبش خلق کرد در پذیرش آتش بس بدون قید و شرط بمنظور اتمام این درگیریها نهفته است، پس حزب دمکرات بر اساس چه مصلحتهایی به این امر تنب نمیدهد و چرا با اصرار بر تداوم این درگیریهای غیر انقلابی انرژی پیشمرگان خلق کرد را نه بر علیه رژیم مزدور خمینی، کسود درگیریهای درونی به هوز میدهد؟ اگر حزب دمکرات واقعا منافع جنبش خلق کرد را با لاتراز هـ مسئلهای در نظر داشته باشد وظیفه دارد که با پذیرش آتش بس و صلح با کومه‌له انرژی پیشمرگان خلق کرد را در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی کانالیزه نماید و این تنها راه انقلابی در مقابل حزب دمکرات میباشد و ما با اردیگسر از حزب دمکرات رابه گام گذاشتن در این راه فرا می‌خوانیم.



جنبش انقلابی و

از صفحه ۹

و در کنار این کارها، کار توضیحی مستمرانه در معرفی و تبلیغ هر چه بیشتر فرهنگ انقلابی و افشای دقیقتر و همه جانبه تر ماهیت واقعی جمهوری اسلامی و همچنین نقش و وظایف و اهداف سازمانهای انقلابی، نمونه‌های مشخصتری از کارهایی هستند که تشکلهای نامبرده شده میتوانند و باید در میان پناهندگان به آنها بپردازند.

باید در نظر داشت که با قوه خلاقیت و ابتکار انقلابی میتوان موضوعات متنوعتری برای کار در این جهت را در میان آوارگان و پناهندگان یافت و بر این اساس سازمان داد و فعالیت نمود. اما بدون شک برقراری یک رابطه سالم و انقلابی، آن بستری است که به ما امکان میدهد از انرژی این دسته از هموطنانمان در سازماندهی و پیشبرد هر چه بیشتر وظایف مبارزات استفاده نمائیم.

شرط آنکه به آنها نیز بعنوان یک حوزه از کار و فعالیت انقلابی خود بنگریم میتوانیم با کانالیزه کردن و سازماندهی این منبع نیروی انقلابی و با کوشش در جهت هر چه منسجم تر نمودن و یکپارچه تر نمودن صفوف آنها، در افشای هر چه بیشتر چهره جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و تبلیغ و کمک به جنبه انقلاب بکوشیم.

پیرامون روابط پنهانی ۵۵۵

از صفحه ۲۲

چند روز بعد در فستجانی مزدور البتّه با مغلظه کاری های خاص خود برای این خبر مهرتائید زد و بدین ترتیب مسئله ایعاد تازه ای به خود گرفت. کاخ سفید و اشنگتن نیز پس از یک هفته با اخره بسا سخنرانی ریگان سکوت را شکست و خیرمزبور را تا ثید نمود.

انعکاس خیر فروش اسلحه بیه وسیله امریکا به جمهوری اسلامی و روابط پنهانی جمهوری اسلامی با امریکا آنهم با وساطت اسرائیل موجی از حیرت را در افکار عمومی جهانیا ن باعث گشت و به یکی از مهمترین خبرهای روز تبدیل شد. البته این خبر موجب حیرت آنهائی گشت که کودکانه فریب تبلیغات نواستعماری را خورده بودند. چرا که وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها امر تازه ای نبود و از همان بدوروی کار آمدن این رژیم از سوی چریکهای فدائی خلق مطرح شده بود و بتدریج مسورد پذیرش توده های وسیعی نیز قرار گرفته بود. بهر حال این ماجرا دولت ریگان را در یکی از سخت ترین و بحرانی ترین دوران حکومتش قرار داد. و به وسیله ای بسرای تصفیه حسابهای درونی هیئت حاکمه امریکا تبدیل گردید.

از سوی دیگر پس از دو هفته با اخره خمینی جلاد مطابق معمول به صحنه آمد تا لاطا ثلاثی را به خورد شتوندگان خود دهد از قبیل اینکه ما با فرستادگان امریکا ملاقات نکردیم و حتی آنها را یادداشت و تحت نظر قرار دادیم و بعد هم آنها را پس فرستادیم و البته همه

میدانند که مک فارلین فرستاده ویژه ریگان گفته است که ملاقاتها بسیار "متمدنانه" انجام گرفته و در ضمن استقبال میزبانان ایرانی از آنان بسیار گرم و دوستانه بوده است. و سپس خمینی این سگ زنجیری امپریالیسم به "برخی" توصیه کرد که چه شده که آنها هم با رسانه های گروهی شیطان بزرگ و صهیونیستها همصدا شده اند و هی حرف آنها را تکرار میکنند.

خمینی که در مراسم سالروز تولد پیا میرا سلام سخن میگفت خطاب به "برخی" از افراد افاضه نمود که من نمیخواهم در این روز مبارک دل شما را بشکنم شما هم دل مسئولان را نشکنید و با اخره با تکیه به مقام ولایت فقیهه و با زبان خاص خود به همه هشدار داد. که هر کاری که انجام گرفته است خوب بوده و کسی نباید از آن انتقاد کند و یاد در جزئیات وارد شود و البته روی سخن وی عمدتاً با هشت نماینده مجلس ضد خلقی بود که وزیر امور خارجه را در این باره مورد سوال قرار داده بودند که آیا ملاقاتهای صورت گرفته با اطلاع آن وزارتخانه بوده است یا نه و چه کسانی در مذاکرات حضور داشته اند و سطح رابطه در چه حدی بوده است.

و با اخره خمینی طبق معمول و با همان وقاحت همیشگی اش مسئله با اصطلاح "درخواست ملاقات امریکائیا و تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی از سوی آنها را بزرگترین پیروزی پس از "انقلاب" و شکست بزرگی برای امریکا توصیف نمود که کاخ سفید را به "کاخ سیاه" تبدیل نموده است.

این شامی است بسیار کلسی

از آنچه که روی داده و دو طرف هر کدام به نجوی نیز آنرا تا ثید کرده اند. ما در اینجا نمیخواهیم وارد جزئیات این مسئله و سخنان گفته شده از سوی دو طرف و صحت و سقم آنها بشویم ما تنها میخواهیم به این نکته اشاره کنیم که برخلاف آنچه که طرفین سعی میکنند و نمود سازند این روابط پنهانی از ۱۸ ماه پیش آغاز نشده است بلکه سابقه این روابط به همان اولیسن روز استقرار رژیم جمهوری اسلامی در سال ۵۷ و دقیقتر از آن حتی به قبل از روی کار آمدن خمینی باز میگردد. آیا کسی میتواند تماشای خمینی با امپریالیستها را در نوفل لوشاتو فراموش نماید؟

پس از ۷ سال از استقرار جمهوری اسلامی دیگر بر کسی روابط هویزرو رمزی کلارک با بهشتی و مطهری و با زرگان و بنی صدر و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی پوشیده نیست و تا کنون نیز بارهای بار این روابط به اشکال گوناگون افشاء شده است چرا که در واقعیت جمهوری اسلامی اساساً بوسیله امپریالیستها بر سر قدرت قرار گرفت و این یا رگیری جدید امپریالیستها برای مقابله با جنبش انقلابی خلقهای ایران و تحقق نقشه های امپریالیستی در ایران و منطقه بود.

روابط جمهوری اسلامی بسا اسرائیل و امریکا حتی با رهبران سوی سردمداران این دو کشور نیز مطرح شده است برای نمونه در تابستان سال ۶۱ آویل شارون وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی طی سفری به امریکا و در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود که اسرائیل با موافقت امریکا تا کنون

←

میلیونها دلار اسلحه به جمهوری اسلامی فروخته است این اظهارات رسمی و اظهارات دیگری از سوی منابع مختلف که دال بر روابط پنهانی بین آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی بوده همگی توسط سردمداران مزدور جمهوری اسلامی تحت عنوان "توطئه های استکباری" رد میگردید و هنوز هم لاپوشانی میگردد.

مستولان اسرائیل بارها گفته اند که از همان ابتدای "انقلاب اسلامی" با ایران رابطه داشته و به آن اسلحه فروخته اند و ارزش سلاحهای فروخته شده سربه صدها میلیون دلار میزند.

در نتیجه رابطه جمهوری اسلامی با امپریالیستها و صهیونیستها و از جمله مسئله فروش اسلحه به ایران مسئله جدیدی نیست و امری است که بارها با دلائل مستندیه اثبات رسیده است.

همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم جمهوری اسلامی نظامی را از شاه به ارث برده بود که بصورت جزئی ارگانیک و جدائی ناپذیر از سیستم امپریالیستی درآمد بود. گرچه در جریان مبارزات توده ها و بویژه قیام بهمن دستگاه دولتی ضریقات سختی را متحمل گردید، اما به برکت جمهوری اسلامی که خود را برآمده از قیام توده ها معرفی می نمود و در واقع وظیفه اش سرکوب انقلاب بنام انقلاب بود این دستگاه سریعاً به ترمیم خود پرداخت و جمهوری اسلامی نیز این وظیفه را بر عهده داشت که این موسسات و ارگانها را بازسازی نموده و ارگانهای جدیدی نیز بنا به نیاز شرایط به آن اضافه

نماید تا منافع امپریالیستها و بورژوازی وابسته هر چه بهتر تامین گردد. بنابراین جمهوری اسلامی کار خود را با بازسازی و ترمیم بوروکراسی منحط ارت بر سر آمده از رژیم شاه و نیز اعاده نظم و سازماندهی مطلوب در ارتش بعنوان عمده ترین ابزار سرکوب بورژوازی وابسته آغاز نمود.

بیشک اینگونه ترمیمات بخودی خود به کمکهای مالی و نظامی و صنعتی امپریالیستها احتیاج داشت و الحق که آنها نیز در کمک به جمهوری اسلامی از چیزی فروگذاری نکردند و از آنجا که شرایط مبارزاتی توده ها ایجاب میکرد شعبده بازی های ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی همچنان ادامه پیدا نماید جمهوری اسلامی وظیفه داشت تا بهره گیری از احساسات ضد امپریالیستی توده ها ظاهراً وانمود کند که هیچگونه رابطه ای با امپریالیستها و بویژه با آمریکا نداشته و ندارد. در این زمینه حتی خود تحلیلگران آمریکائی نیز اعلام کرده اند که منافع آمریکا در ایران ایجاب میکند که رژیم موجود بر علییه آمریکا شعار دهد. اما رابطه جمهوری اسلامی با امپریالیستها و آمریکا امری نبود که بتوان بسادگی آن را پنهان ساخت و گاه حتی از خلال گفته های مسئولین میشد به ارتباطات گسترده جمهوری اسلامی با امپریالیستها پی برد.

بطور مثال در آن هنگامیکه جمهوری اسلامی با اصطلاح "تسخیر سفارت آمریکا" دست به شعبده بازی تازه ای زده بود و ریاکارانه خود را پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی معرفی میکرد. و آمریکا نیز با اصطلاح دست به تحریم

اقتصادی ایران زده بود بهشتی معدوم در او خرتاستان سال ۵۹ در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی اعلام نمود که تحریم و محاصره اقتصادی اینجور نیست که ما نتوانیم مواد و وسایل مورد نیاز را از آمریکا تهیه نمائیم وی سپس به این مسئله اشاره نموده بود که وسایل مورد نیاز رژیم از بنادر آمریکائی به مقصد کشورهای اروپائی با رگیری میشود و از آنجا به ایران حمل میگردد و یا بهزاد نبوی وزیر معلوم الحال دولت میرحسین موسوی در مصاحبه ای در سال ۶۳ اعلام نمود که مسئله تحریم اقتصادی آنطور نیست که مقامات رژیم رویش تبلیغ میکنند و در همان حال به رابطه بسیار گسترده اقتصادی با کشورهای امپریالیستی اشاره نمود و موضوع تحریم و محاصره اقتصادی را موضوعی بچ و بی اساس نامید.

اکنون که گوشه هایی از روابط پنهانی بین جمهوری اسلامی و آمریکا از پرده بیرون افتاده است اصل این رابطه میتواند بطور وسیعتر و دقیقتری برای توده ها و آن سازمانهایی که کبک و ارسر خود را در برف فرو کرده بودند و بر واقعیت وابستگی این رژیم با امپریالیستها اذعان نمیکردند، مطرح گردد. البته باید دانست که تبلیغات امپریالیستی میکوشد که رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل را در محدوده فروش سلاح در اذهان جا بیندازد در حالیکه این رابطه فراتر از این مسائل بوده و جمهوری اسلامی جزگ زنجیری امپریالیسم نمیشد. برای نمونه حتی در رابطه با تبادل اطلاعات جاسوسی نیز مدتهاست که فاش گردیده است که سازمان جاسوسی سیا



تناقضات موجود در گفتارهای اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شوروی در ایران را در سال ۶۲ در اختیار رژیم خمینی قرار داده است و خمینی مزدور نیز بخاطر این "معجزه" و "امداد غیبی" شکر خدا را بجا آورده بود! مسلمانان عکاس جنگ قدرت در جناح‌های امپریالیستی آمریکا و یازتا بناگزی سر آن در هیئت حاکمه ایران با زهم مسائل مربوط به رابطه پنهانی این دو دولت را هر چه روشنتر خواهند ساخت و اسرار دیگری از این رابطه و نوع و کیفیت آن منتشر خواهد شد. البته آمریکا در تبلیغات خود پیرامون این مسئله با زرنگی خاصی سعی میکند که رابطه با جمهوری اسلامی را به ۱۸ ماه گذشته محدود کند و در نتیجه به این توهم دامن بزند که گویا رژیم جمهوری اسلامی رژیم مستقل و متکی بخود بوده است که همچنان خلعت "فداپریشی" و ضد صهیونیستی خود را داراست و تنها در یکسال و نیم اخیر آمریکا بیادش افتاده که ایران دارای اهمیت استراتژیک بسیار عظیمی است که آمریکا منافع عظیمی در آن دارد و بنا بر این ایجاد ارتباط با آن ضروری افتاده است. با اینحال

تناقضات موجود در گفتارهای مسئولین حکومتی آمریکا و اسرائیل پیشینه این رابطه را به گذشته‌های دورتری یعنی بزمان شکل گیری جمهوری اسلامی میکشاند و نشان میدهد که آمریکا از ابتدا به نقش و اهمیت سوق الجیشی ایران واقف بوده و حتی برای یک لحظه نیز این امر را فراموش نکرده و اصولا بخاطر درک اهمیت همین مسئله بوده است که دست به یاری گیری جدیدی در صحنه سیاسی ایران زده و جمهوری اسلامی را بر سر کار آورد.

در حقیقت جمهوری اسلامی بدون تأیید و پشتیبانی امپریالیستها و بخصوص آمریکا معنی و مفهوم خود را از دست میدهد و در حالیکه "شیطان بزرگ" در زندگی روزمره توده‌ها نقش اهریمنی خود را ایفا مینماید دولتی همین "شیطان بزرگ" برای خمینی و دارودسته ضد خلقیش فرشته رحمت بوده و حلال مشکلاتش میباشد و در واقعیت همین شیطان است که رساننده "امدادات غیبی" و "معجزات" آنجنانی به این موجود مفلوک یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد.

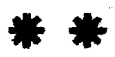


امپریالیستها برای ۵۰۰ از صفحه ۳۴ خارجی چرا که اصولا جمهوری اسلامی بدون ارتباط با امپریالیستها و بدون حمایت آنها حتی یک هفته هم نمیتواند روی پای خود بایستد.

همواره در طول این ۷ سال "امدادات غیبی" [بخشوان کمکهای امپریالیستی] جمهوری اسلامی را در پیشبرد سیاستهایش یاری رسانده اند و حال نیز منبع همین "امدادات غیبی" یعنی امپریالیستها برای دوران بعد از جنگ تدارک دیده‌اند تا از این خون یغما هر چه میخواهند ببرند و البته امپریالیستها و سگهای زنجیریشان باید بدانند که "اندیشه شیرین" یک تاراج بدون دردسر و بدون مزاحم با وجود خلقی چنین قهرمان و استوار که سالهاست زیور و حشیا نه‌ترین سرکوبها ایستادگی کرده و به اشکال مختلف مبارزات خود را بر علیه امپریالیستها ادامه داده است اندیشه‌های بسیار دور از ذهن و غیر واقعی است. به همانگونه که اندیشه تغییر رژیم شاه با رژیم خمینی بدون وقوع "سپل" غیر واقعی و ذهنی بود.

خلقهای ما دشمن اصلی خود یعنی امپریالیسم و سگ زنجیریش، جمهوری اسلامی را میشناسند و در راه نابودی این دشمن ددمنش از هیچ فداکاری فروگذار نمیخواهند کرد و بدون شک با انقلاب اجتماعی خود به رهبری طبقه کارگر این طفیلیان را به زیالهدان تاریخ خواهند ریخت تا ایرانی آزادی و دمکراتیک زیر پرچم طبقه کارگر برقرار سازند.

با در فیق سیمای دریایی چریک فدائی خلق که پس از مقاومت قهرمانانه در مقابل شکنجه‌های وحشیانه جمهوری اسلامی به جوخه‌های اعدام سپرده شد، گرامی باد!



مقاومت زندانیان سیاسی ۵۵۵

از صفحه ۲۰

همانگونه که واقعیات عینی در شرایط کنونی میطلبد باید صفوف مبارزه و مقاومت خود را هرچه مستحکمتر نموده و یک صدا و یکپارچه در مقابل با تحقق مقاصد و اهداف ضدخلقی رژیم در زندانها بپاخیزند.

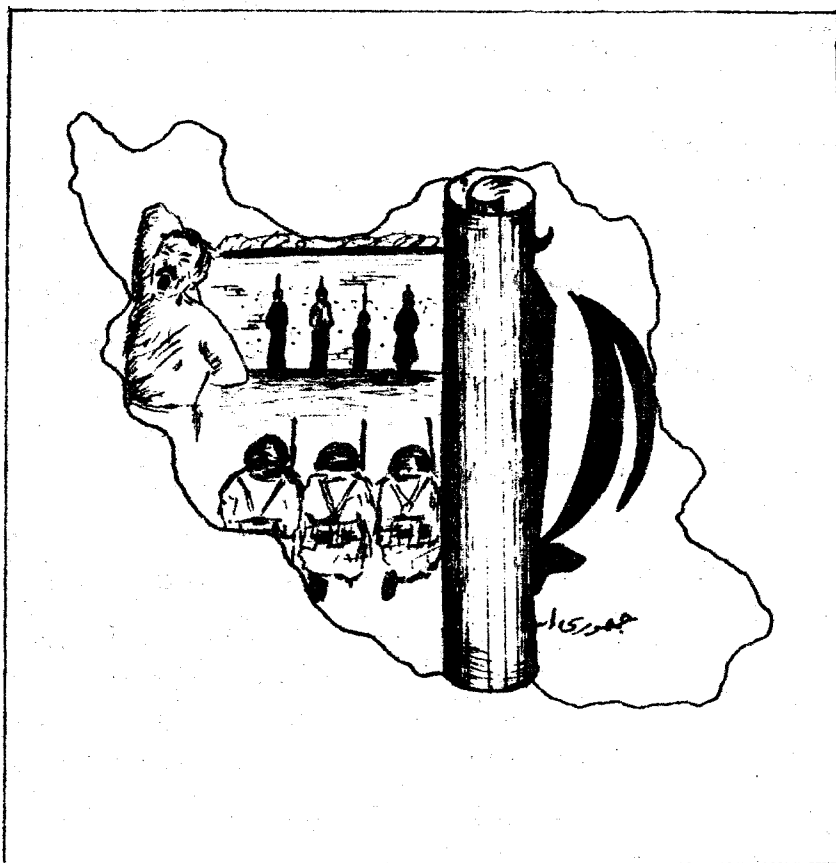
دشمن میکوشد از هردسیسه و شیوه‌ای برای درهم شکستن جو مبارزه و فرهنگ مقاومت زندانها استفاده کند، سود جستن از عوامل توده‌ای - اکثریتی و عناصر بریده و جنایتکار جاسوس، تهدید و ارعاب، وعده‌های کاذب، مصالحه‌ها و نمایشهای ویدیوئی، پخش نوارهای اعتراف و بریدگی، اعدامهای مصنوعی و ... نمونه‌هایی از چنین شیوه‌های شناخته شده‌ای است. در مقابل انقلابیون و مبارزین نیز باید با دامن زدن هرچه وسیعتر به فرهنگ مقاومت و مبارزه،

مقابله با روحیه انفرادمنشی و تسلیم طلبی و پاسیفیسم، افشای تمامی تمهیدات و شیوه‌های ضدخلقی رژیم در زندانها و توضیح واقعیت آنها از جمله مقابله با خط توبه و تبلیغات مماشقات جویانه‌ای که در پوشش تسلیم "تاکتیکی" بمنظور حفظ خود برای "موقعیتهای" آینده و مبادرت به ندامت صورت میگیرد از سوئی، و شناسایی و طرد عوامل و عناصر خائن و نادمی که حاملین و مبلغین چنین روحیاتی در بین سایرین هستند و ایزوله کردن آنها از سوی دیگر، مانع غلبه آن شرایطی بر زندان گردند که اهداف رژیم ضدخلقی را برآورده میسازد. در عین حال باید در نظر داشت

که با توجه به شرایط و فضای متفاوت هر یک از سیاه‌لها باید از کوچکترین و بیش‌یا افتاده‌ترین موضوعات تا مهمترین آنها مانند بهبود امکانات و شرایط بهتر محیط زیست و تغذیه و بهداشت، شرایط بهتر ملاقات و افزایش ساعات هوا خوری و برای مقاومت و اعتراض برضد مزدوران دشمن استفاده کرد. البته با توجه به شرایط و فضای متفاوت یاد شده بدیهی است که درجه پیشبرد این وظایف و نوع پیشبرد آنها، کار انقلابی در سطوح متفاوت و با شیوه‌های مختلفی را خواهد طلبید. اما آنچه که مهم است و باید در هر شرایطی مدنظر داشت همانا مقاومت و پیگیری در انجام و پیشبرد وظایف و اهداف مبارزاتی و انقلابی و ایمان به پیروزی استراتژیک و محتوم خلق بردشمنانش است. از بدو آغاز جنبش مسلحانه

زندان همواره دژ سقوطناپذیر و مستحکمی برای جنبش انقلابی خلق ما بوده است. خلق ایران در حساسترین دوران مبارزات خونین و قهرآمیز چندین ساله خویش بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش خاطرہ حماسه‌ساز و جانبازیها و مقاومتهای درهم ناشکستنی فرزندان آسیبر و در زنجیرش راجه در دوران شاه خائن و چه در دوره زمامداری حکومت دست نشانده فعلی از یاد نخواهد بود و بدون شک دیرنیست روزی که خلقهای ما مسلح و یکپارچه همگام با فرزندان انقلابی و پیشاهنگشان، بساط ننگین سلطه شوم امپریالیستی و تمامی مظاهر سرکوب و جنایت آن را برچیده و بار دیگر، - و این بار برای همیشه - زندانها و سیاه‌لها را با خدایان و با دست‌ان توانای خویش فتح نمایند.

★★★★★



بر علیه اعزام کارگران ۵۰۰
از صفحه ۲۲

مقابل سیاستهای سربازگیری رژیم هر روز اوج تازه تری میگیرد و همین مقاومت قهرمانانه مردم زحمتکش در مقابل سیاستهای ارتجاعی رژیم برای بسیج نیروست که رژیم را واداشته تا هر روز به شکلی جدید برای اعزام اجباری مردم به صحنه های این جنگ ویرانگر متوسل شود و از آنجا که طبقه کارگر قهرمان کشور ما یکی از پر عده ترین طبقات کشور میباشد جمهوری اسلامی برای تامین نیروی انسانی خود فنارهای هر چه بیشتری برای این طبقه وارد میسازد برای نمونه اخیراً سرحدی زاده خائن این با اصطلاح وزیرکار و موراجتماعی رژیم باز هم تاکید کرده که واحدهای تولیدی باید ۴۰ درصد از کارگران و کارمندان خود را به جبهه های جنگ گسیل دارند.

سرحدی زاده در سمینار سپاهیان محمد در محل سرم سازی رازی حصارک خطاب به مدیران واحدهای تولیدی گفت: "بیا سید ۴۰ درصد از نیروهای خود را اعم از کارگران و کارمندان داوطلب را در اختیار جنگ قرار دهید" و به این وسیله بار دیگر بر سیاست ضد کارگری گسیل کارگران به مسلخهای جنگ امپریالیستی تاکید نمود. البته مخاطبین وزیرکار معلوم الحال جمهوری اسلامی یعنی مدیران واحدهای تولیدی بخوبی مفهوم "داوطلب" را در فرهنگ جمهوری اسلامی درک میکنند و در نتیجه میدانند که حال وظیفه دارند به هروسیله ای که شده به کارگران برای رفتن به جبهه های مرگ فشار بیاورند تا کارگرانی را که

منافع امپریالیستها و استحکام جمهوری اسلامی نیستند، مجبور به رفتن به جبهه ها سازند. حال مدیران واحدهای تولیدی باید طبق معمول با تهدید به اخراج کارگران و ایجاد محیط رعب و وحشت در محیط کارخانه به وظیفه جنایتکارانه خود جامه عمل بپوشانند. و از آنجا که نظام سرمایه داری وابسته در ایران را بحران فرا گرفته است و هر روز خیر تعطیل کردن کارخانه ها به گوش میرسد چماق یا جبهه یا اخراج به مهمترین وسیله برای کارگران تبدیل میشود. در نتیجه انجمنها و شوراها ی اسلامی این ارگانهای سرکوب کارگری به تکاپو میافتند تا کارگران را برای رفتن به جبهه ها آماده سازند تا نیروی انسانی مورد نیاز ارتش ضد خلقی برای پیشبرد این جنگ ارتجاعی فراهم گردد. البته وزیر کار و موراجتماعی

جمهوری اسلامی در این با اصطلاح سمینار سپاهیان محمد فراموش نکرد که در همان حال که کارگران را به مسلخ مرگ میفرستد به طبقه حاکمه روحیه دهد و چشم انداز رشد صنعتی حیرت آوری را برای آنها ترسیم نماید. او در ادامه سخنرانی اش گفت: "مطمئن باشید که در این رهگذر هیچگونه صدمه ای نخواهید دید و همانگونه که پس از جنگ جهانی دوم دنیا شاهد رشد صنعتی حیرت آوری بود ما نیز آن را تجربه خواهیم کرد." به این وسیله بخوبی ماهیت واقعی رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را آشکار نمود اما کارگران ما باید بدانند که چه در شرایط بحرانی فعلی و چه در شرایط آن به اصطلاح رشد حیرت آور صنعتی

واقع میشود استعمار هر چه بیشتر آنها و قربانی شدن آنها برای رشد نظام سرمایه داری است چرا که بورژوازی تنها به اعتبار استعمار هر چه بیشتر طبقه کارگر است که زراندوزی میکند. و تنها با مکیدن هر چه بیشتر خون این طبقه است که توانائی ادامه زندگی انگلی خود را مییابد. در نتیجه پاسخ طبقه کارگر نیز در این زمینه به بورژوازی وابسته روشن و صریح است کارگران باید بر علیه بورژوازی بپا خیزند و تنها برای نابودی این طبقه انگل سلاح بدست گیرند خون کارگران نه در میدانهای جنگ امپریالیستی و در جهت منافع امپریالیستها که تنها در راه سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی جمهوری دمکراتیک خلق و در راه سوسیالیسم با پدیده زمین ریخته شود در نتیجه طبقه کارگر ما با پدیده هروسیله که ممکن است بر علیه اعزام کارگران به مسلخهای جنگ امپریالیستی مقاومت نموده و مبارزات خود را بر علیه جنگ و برای نابودی جمهوری اسلامی و بورژوازی وابسته گسترش دهد. جنگ طبقه کارگر مانع جنگ جمهوری اسلامی با عراق که جنگ بر علیه جمهوری اسلامی و برای سرنگونی این رژیم ددمنش و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر میباشد. ما کارگران مبارز ایران را به مخالفت بر علیه جنگ ایران و عراق و به پیوستن به صفوف این جنگ انقلابی بر علیه سلطه امپریالیسم و سرنگونی جمهوری اسلامی که در میهنمان جاریست فرا میخوانیم. جنگی که هر چیزی در آن از آن طبقه کارگر است به این جنگ بپیوندد و بر علیه جنگ امپریالیستی ایران و عراق بپا خیزد. * * *

فقرو فلاکت برای توده‌ها ۰۰۰

از صفحه ۲۲

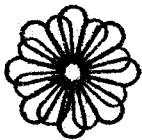
در سرمای زمستان بسوزند و بسازند، بواقع چرا باید این رژیم ضد خلقی این چنین منابع درآمد کشور را به باد دهد؟ این سوالی است که هر فرد زحمتکش و مبارزی باید در مقابل خود قرار دهد تا با پاسخ درست آن پی به ماهیت تبلیغات دروغین رژیم با صطلاح مستضعف‌گرای جمهوری اسلامی ببرد تا به خوبی به ماهیت ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی واقف گردد.

همانطور که میدانید دولت موسوی بارها ناله سرداده است که ارزی برای تامین نیازمندیهای مردم در اختیار ندارد و از آنجا که عمده توان کشور در جهت جنگ امپریالیستی سازمان یافته است، از صرفه جویی سخن میگوید و حتی وقیحانه شعار تغییر الگوی مصرف در جامعه را مطرح میکند. یعنی به زبان ساده از مردم میخواهد که کمتر بخورند، کمتر بنوشند، کمتر بپوشند، یعنی کمتر مصرف کنند؛ تا سران دزد و فاسد این رژیم بهتر بتوانند در جهت اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه مانور دهند.

در شرایطی که وزیر نیروی رژیم اعلام کرده است که "تولید انرژی کشور به میزان ۱۰٪ کاهش یافته است و تاکید نموده است که "زمستان امسال راهی نداریم جز آنکه مردم خوب و متمدن ماصرفه جویی کنند" و در شرایطی که خبرگزاریها اعلام میکنند که "قرار است روزانه تا ۲۴۰ هزار بشکه نفت و فراورده‌های نفتی عربستان به ایران صادر شود." بهتر میتوان به اوج دناشت و پستی این رژیم

در رابطه اش با سوریه پی ببرد و دلائل واقعی حاتم بخشی یک میلیون تن نفت خام به سوریه را دریافت. راستی به چه علت جمهوری اسلامی در شرایط افلاس اقتصادی به یاد حاتم بخشی یک میلیون تن نفت خام افتاده است. سردمداران رژیم ضد خلقی ادعا میکنند که از آنجا که با عراق در حال جنگند و سوریه با عراق به مخالفت برخاسته است و از آنها حمایت میکند و از آنجا که سوریه بر علیه اسرائیل میباشد این کمک برای تقویت سوریه لازم است. آیا این اراجیف واقعیت دارند؟ مگر رسوایی سوریه در سرکوب فلسطینی‌ها امر ناآشنائی است؟ مگر همین سوریه نبود که در اجرای نقشه‌های امپریالیسم در خاور میانه و حشیانه به سرکوب جنبش خلق فلسطین برخاست و مگر هم امروز ما دستهای خونین حافظ اسد را در لبنان به عینه نمیبینیم؟ مگر همین سوریه در سرکوب جنبشهای انقلابی در فلسطین و لبنان همسو و هم جهت با اسرائیل عمل نمیکند؟ و از طرف دیگر داستان دشمنی خونین جمهوری اسلامی و اسرائیل هم دیگر از آن داستانهای است که همه را به خنده وامیدارد. مگر همین اسرائیل خودی یکی از اصلیترین کائالهای تامین سلاح برای جمهوری اسلامی نمی باشد؟ مگر رسوایی روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل و امریکای بیکی از داغترین خبرهای روز تندیمل نگشته است؟ واقعیت این است که حنا ی تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی دیگر رنگی ندارد و همه این سخنان گفته میشود تا واقعیت اصلی کتمان گردد. واقعیت این است که در شرایطی که سوریه را بحران فرا گرفته است

در چارچوب تقسیم کار امپریالیستی این وظیفه به جمهوری اسلامی داده شده است که با دادن نفت مجانی دولت سوریه را در رفع بحرانهایش کمک نماید. همانطور که شاه مزدور یک میلیارد دلار به سوریه کمک کرد، حال جمهوری اسلامی نیز وظیفه دارد یک میلیون تن نفت در اختیار سوریه قرار دهد. همانطور که قبلا نیز میلیونها دلار نفت مجانی در اختیار دولت سوریه قرار داده بود، تا توانائی سوریه را در سرکوب مردمش و اجرای وظایف سرکوبگرانه اش در لبنان و فلسطین افزایش دهد. و البته این امر باید به حساب فقرو فلاکت توده‌های میلیونی کشور ما انجام شود. باید به حساب رنج و درد مردم ما در زمستان سرد آتش سرکوب دولت ضد خلقی سوریه شعله و رتر گردد، چرا که رژیم جمهوری اسلامی جز یک زنجیری در گناه امپریالیسم نمیباشد سگی که خلقهای قهرمان ایران وظیفه نابودی او را در مقابل خود دارند و دیر یا زود این رژیم دهنش را به زباله دان تاریخ خواهند افکنند.



اخبار جهان

از صفحه ۲۲

اسلحه‌هایی که در این معامله میبایست به جمهوری اسلامی تحویل داده شود شامل ۱۸ جنگنده فانتوم ۴-۴، ۴۶ بمب افکن اسکای هاک، ۵ هرکولیس c-135 (هوایمای مخصوص حمل و نقل)، ۱۸۷۵۰ عدد موشک ضدتانک tow، ۱۰۰ هزار فشنگ و دیگر قطعات موتورهای جت و هزاران قطعه لوازم یدک، بوده است. * * *



به اصطلاح فقیه عالیقدر القاء نماید . این سخنان در همان حال که بی ارادگی و حماقت جانشین خمینی را آشکار میسازد در ضمن نشاندهنده تضادهای درونی سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی است .

۵ - ری شهری وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی گفت فیلمی که از مهدی هاشمی در تلویزیون پخش شده ، تمامی فیلم نبوده بلکه تنها قسمتی از آن بوده است و پخش تمام فیلم رابه مصلحت رژیم ندانست و به این طریق بینه باندهای رقیب خود هشدار داد که اطلاعات بیشتری برای روکردن در اختیار ندارد .

۶ - مامورین رژیم مزدور ترکیه ۶ ایرانی را که قصد ورود به ترکیه را داشتند دستگیر و به زندان مری جمهوری اسلامی تحویل دادند . این عمل وحشیانه که نقض آشکار حقوق بین المللی پناهندگی است تحت عنوان وجود روابط دوستانه و حسن همجواری بین ترکیه و جمهوری اسلامی صورت گرفته است .

بدون شک رفتار وحشیانه رژیم مزدور ترکیه نسبت به ایرانیانی که از جهنم خمینی فرار کرده اند را خلقهای ایران بدون پاسخی نخواهند گذاشت .



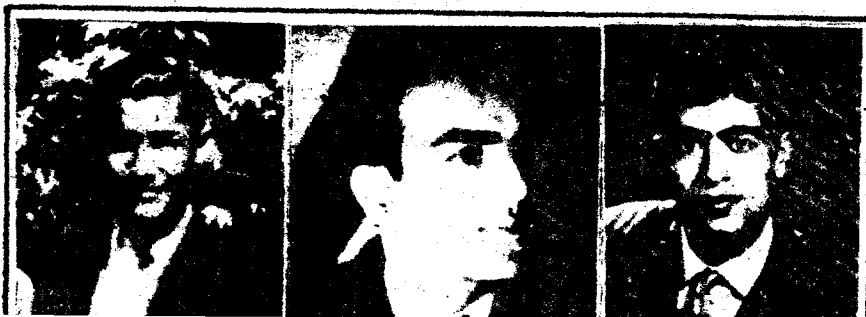
به جبهه ها به حکم قرعه انتخاب نمودند .

۲ - شرکت دخانیات مدتی است که از پرداخت کامل حقوق کارگران و کارمندی که به مرخصی میروند خودداری نموده است و این امر باعث خشم و اعتراض کارگران و کارمندان این شرکت گشته است .

۳ - چندی پیش در آزمون آتشگاه مکانیک خاک وابسته به وزارت راه و ترابری کارکنان آزمونگاه بطور عمومی از رفتن به جبهه ها خودداری کردند . در نتیجه دست اندرکاران این وزارتخانه اقدام به قرعه کشی نموده و ۱۰٪ از کارکنان این موسسه را اجبارا برای فرستادن به جبهه ها انتخاب نمودند تا با روانه نمودن آنها به جبهه های مرگ ونیستی آنها را قربانی این جنگ ارتجاعی نمایند .

۴ - مهدی هاشمی از نزدیکان منتظری و از مسئولین سپاه پاسداران در تلویزیون اعلام کرد که کوشیده است در آیت الله منتظری این جانشین ابله خمینی نفوذ کند و افکار خود را به ایشان

۱ - اعتراضات و مقاومت توده ها در برابر اجرای سیاستهای ارتجاعی سربازگیری اجباری همچنان ادامه دارد . چندی پیش کارگران نساجی مازندران از پر کردن فرمهای تعیین تکلیف برای اعزام به جبهه های جنگ خودداری کردند . فرمهای مزبور در سالن اجتماعات کارگران نساجی شماره ۱ و ۳۲ قاشمشهر پس از سخنرانی مدیرعامل خود فروخته کارخانه نساجی مازندران که کارگران را به رفتن به جبهه ها تشویق میکرد توزیع گردید . اما کارگران مبارز کارخانه به هیچ قیمتی حاضر به پر کردن فرمهای مزبور نگردیدند . در نتیجه مدیرعامل کارخانه جهت درهم شکستن مقاومت کارگران اعلام کرد که باید ۲۰٪ کارگران کارخانجات نساجی مازندران اجبارا به جبهه ها اعزام شوند و برای عملی ساختن این امر به قرعه کشی توسل جسته و عده اش از کارگران را برای اعزام اجباری



۱۶ آذر روز دانشجو روز شهادت دانشجویان تهران محدث قندچی ، بزرگ نیا و شریعت رضوی گرامی باد !

جمع کرده و گفته اند که از هر خانواده باید یک نفر به سربازی برود ولی مردم زحمتکش منطقه در مقابل این فشارها مقاومت نموده و از فرستادن فرزندانشان به مسلخهای جنگ خودداری نمودند.

مربوان

۱- شهر مربوان از جمله شهرهایی است که براثر جنگ ارتجاعی ایران و عراق خالی از سکنه شده است اکثریت اهالی شهر برای فرار از قربانی شدن در جنگ ضد خلقی شهر را ترک کرده و آواره گشته اند. ۲- جهاد سازندگی این ارگان ضد مردمی مدتهاست که به اشکال مختلف توده ها را سرکپس می نماید برای نمونه مدتی است که از هر خانواده در روستای نینه مبلغ ۵۵۰۰ ریال به بهانه ساختن حمام گرفته است ولی تاکنون از ساختن حمام و تحویل آن به روستائیان خودداری نموده است همین ارگان ضد مردمی بیش از یکسال است که بیش از صد هزار تومان از اهالی روستاهای سب بالا و مخمعه بعنوان تامین برق روستا اخذی نموده است و تاکنون نیز در این زمینه اقدامی نکرده است.

سردشت

در اوخر شهریور ماه امسال، پس از یک رشته عملیات قهرمانانه پیشمرگان بر روی محور سردشت - پیرانشهر و در بین چندین پایگاه دشمن ضد خلقی، نیروهای سرکوبگر رژیم وابسته به



مهاباد

۱- سگان زنجیری امپریالیسم برای گرم نگه داشتن تنور جنگ امپریالیستی جهت تحقق منافع اربابان نشان همچنان به شکار جوانان در شهر مهاباد ادامه میدهند. در همین رابطه پاسداران هر روز در شهر مهاباد چهار راهها و اماکن عمومی را محاصره کرده و جوانان را دستگیر و به مراکز نظامی در تهران منتقل میکنند تا از آنجا آنها را به مسلخهای جنگ امپریالیستی گسیل دهند ولی هر روزه تعدادی از جوانان شهر مهاباد از مراکز نظامی فرار نموده و تن به سیاست سربازگیری اجباری رژیم نمیدهند.

۲- در شرایطی که گرانی و تورم و بیکاری در کشور بیداد میکند و زحمتکشان ستمدیده برای امرار معاش و گذران زندگی خود اجبارا به دکه زدن در کنار خیابانها روی آورده اند، سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تار و پودر با ۶۵/۹/۱۷ دریک یورش گسترده با استفاده از یولدوز و لودر به تخریب دکه های زحمتکشان شهر مهاباد پرداختند تا بقول خودشان از بی نظمی در سطح شهر جلوگیری کرده باشند. دکه داران زحمتکش

شهر مهاباد که از این حرکت وحشیانه به خشم آمده بودند متحداً به اعتراض پرداختند و بر علیه خمینی مزدور شعار دادند. ۳- سرکوبگران گروه ضربت رژیم پس از محاصره روستای پیربادین به خانه های اهالی زحمتکش روستا یورش برده و ضرب و شتم آنها پرداختند. ۴- جاشا و پاسداران گروه باصلاح ضربت روستای خلیفان در ۲۰ آذر ماه ضمن اذیت و آزار اهالی زحمتکش روستای میسرده آنها را برای تحویل دادن اسلحه به رژیم زیر فشار قرار دادند. ۵- جاشا و پاسداران پایگاه ده هنجوری در منطقه منگوروان اهالی این روستا را برای تامین آذوقه مورد نیاز خود تحت فشار قرار داده و گفته اند چند سال است که شما زندگی پیشمرگان را تامین میکنید امسال هم باید نیازهای ما را تامین سازید.

بانه

۱- نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به اهالی روستاهای منطقه بانه برای فرستادن فرزندانشان به سربازی اجباری فشار وارد میکنند. آنها اهالی زحمتکش چند روستا را

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می جنگد!

←

امپریالیسم جمهوری اسلامی، متشکل از مزدوران جاش و پاسدار و ارتش، یورش گسترده‌ای را به روستاهای منطقه و اهالی زحمتکش آن، سازمان دادند و با ضرب و شتم و اذیت و آزار مردم محروم منطقه به جرم کمک به فرزندان پیشمرگه شان، درصدد انتقام از ضربات خوردکننده پیشمرگان برآمدند.

از جمله در روستای بوبانه، نیروهای سپاه و بسیج با سرکردگی مزدور خیانتکاری به نام حاجی نوشاد اهل اصفهان و با همکاری جاشهای خود فروخته، پس از محاصره روستا، اقدام به احداث دو پایگاه سرکوب در ارتفاعات روستا و در مجاورت خانه‌های اهالی نمودند.

دشمن ضد خلقی تا هنگام احداث پایگاهها، به مدت ۲۰ روز با استقرار در خانه‌های اهالی، روستائیان محروم و زحمتکش را مجبور به تامین آذوقه

مزدوران خود نمود که این امر اعتراض یکپارچه اهالی را برانگیخت و این مقاومت و اعتراض هنگامی بالا گرفت که رژیم برای ایجاد ارتباط بین پایگاهها و روستا و جاده‌کشی به این منظور، خسارات مالی فراوانی را به ارزش میلیونها تومان بسط زمینهای زراعتی و مراتع روستائیان زحمتکش وارد ساخت. با تشریح ماشینهای نظامی به روستا، و اصرار مزدوران به مردم مبنی بر سوار شدن به این ماشینها و استفاده از آنها در مقابل ضربات پیشمرگان، حاجی نوشاد خود فروخته که با امتناع مردم روبرو شده و خشم آنان را نسبت به خود و تفنگچیها بیش بخوبی حس میکرد، با جمع آوری مردم و سخنرانی در مورد اینکه جمهوری اسلامی حامی شماست و این جاده‌ها را برای استفاده شما احداث کرده است سعی میکند مردم را فریب دهد. اما اهالی زحمتکش روستای "بوانه" یکپارچه به او اعتراض

میکند که اگر شما و جمهوری اسلامی راست میگوئید و حامی ما هستید، وارد نمیشاید و یا حداقل تاوان این کارتان را میپردازید و به این ترتیب عملاً برده از فریبکاریهای او برداشته و او را افتاء کردند. مقاومت و اعتراض همه جانبه و یکپارچه مردم در ادامه خود نیز باعث شد که مزدوران مجبور شوند یکی از جوانان روستا را که به جرم همکاری با نیروهای انقلابی دستگیر و در شهر سردشت تحت آزار و شکنجه قرار داده بودند نیز آزاد کنند.

سنندج

۱- نیروهای سرکوبگر رژیم از کاروکاسبی دست فروشان در محله کانی گوزله جلوگیری کرده و در مقابل اعتراض آنها عنسوان کرده اند که سد معبر جریمه دارد در ضمن شهردار مزدور شهر نیز

بقیه در صفحه ۱۱

اخبار جهان

۱- مجمع عمومی سازمان ملل در قطعه ماهی در روز چهارم دسامبر با ردیگر به نقض حقوق بشر و آزادیهای فردی توسط جمهوری اسلامی رای داد، این قطعنامه با ۶۱ رای موافق، ۳۲ رای مخالف و ۴۲ رای ممتنع به تصویب رسید. شورای از جمله کشورهای بود که به نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی رای ممتنع داد.

۲- یکی از اعضای سابق شورای امنیت ملی آمریکا بنام گری سیک در یک مصاحبه تلویزیونی اعتراف

کرد که در جریان سفر مک فارلین به ایران هیئت آمریکائی با خانواده‌های رئیس جمهور، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، میرحسین موسوی نخست وزیر و موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و احمد خمینی ملاقات کرده است. حال بگذاریم باز هم خمینی این مظهر و قاحت بگوید که نه تنها با هیئت آمریکائی ملاقاتی صورت نگرفته بلکه آنها را بازداشت کرده و پس فرستاده است.

۳- مدیرکل سابق وزارت امور خارجه اسرائیل در یک مصاحبه تلویزیونی گفت مک فارلین به او گفته است که بلند پایه ترین

مقامات آمریکا از جریان ارسال سلاح به جمهوری اسلامی اطلاع داشتند و آن را تائید می کردند و ارسال اسلحه از اسرائیل به جمهوری اسلامی با اطلاع آمریکا و هماهنگی کامل با مقامات آن کشور به عمل آمده است.

۴- شیمون پرز وزیر امور خارجه اسرائیل در دیدار با هیئت پارلمانی اروپا اعلام کرد که اسرائیل با جمهوری اسلامی در زمینه تحویل اسلحه همکاری داشته است این سخنان در شرایطی گفته میشود که هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه گفت: حتی اگر اسلحه از طریق اسرائیل به ما

←

از صفحه ۱۸ من همچنان ایستاده ام !

از قمرخاک ریشه دوانده ام !

درد پیروز، امروز، فردا

درد هلیزه های مرگ و

در جوخه های اعدام

در اتحاد و اعتصاب

در هر کجا که اهرمن

فکورش را هم نمی کند

زنجیر به پای و در شمارش انتقام

پرجوش و استوار

من همچنان ایستاده ام !

امروز چهل بار

فردا صدها هزار بار

بازخم شلاق و با جوخه شلیک

بی درد و بی دریغ

میمیروم و

از بطن مرگ میرویم و

جوانه میزنم

از قمرخاک و از زمین

نه آسمان ! -

از کوچه های تاریک و ویران شهر

از اعتصاب " اوین " و " قصر "

از چوبه های دار

یا پس پناه برق تفنگ

از عمق نافذ یک نگاه

که در پس هر شلاق

چشم بردوخته است

من همچنان ایستاده ام

زنجیر به پای و در شمارش انتقام !

به سان کوه

به سان رود و به وسعت دریا

اینک !

من از تبار زنجیر

در آسمان " اوین " و " قصر " و " قزل حصار "

در امتداد شب فریاد میزنم :

بگذار اعدام کنند

بگذار ساقه هایم را

روزی هزار بار بشکنند

از من چهل ستاره

چهل هزار ستاره شب شکن

می روید و " این آسمان * هنوز

غرق ستاره ها است !

* اشاره به : هر شب ستاره های وابه زیر میکشند و باز



بدهند و مادر سنگر و جبهه متوجه
شویم که این اسلحه اسرائیلی
است از آن استفاده نخواهیم
کرد !

۵ - یکی از روزنامه های آمریکا
فاش ساخت که دست اندرکاران
دولت آمریکا بخشی از پول حاصل
از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی
را به مصرف انتخاب نمایندگان
از کنگره آمریکا می رسانده اند که
با دادن کمک مالی به شورشیان تحت حمایت
امریکا در نیکاراگوئه موافق
بودند .

۶ - اخیرا فاش شد که دولت
انگلستان طی ماه گذشته معادل
۵۰ میلیون دلار وسائل جنگی
از جمله ۵۰ دستگاه موتور تانک به
جمهوری اسلامی فروخته است
هفته نامه آبرور در این زمینه
نوشته است که این سلاحها بعنوان
وسایل برقی از بندر لیورپول
در انگلستان به بنادر ایران
صادر شده است .

۷ - یک شرکت بریتانیایی
بنا به گزارش یک روزنامه انگلیسی
معادل ۳۵۰ میلیون دلار اسوازم
را دار به جمهوری اسلامی صادر
کرده است .

۸ - نشریه شیکاگو تریبون
در ۳ اوت نوشت که بنا به گفته
واسطه های که قرار بود مبلغ ۲
میلیارد دلار اسلحه به ایران
بفروشد دولت اسرائیل ترتیب
دهنده اصلی کل این برنامه بوده
است . این واسطه یک وکیل
امریکائی بنام ساموئل اوآنز
میباشد که در لندن زندگی میکند
او گفته است که این معامله
از طرف نخست وزیر اسرائیل
شیمون پروز تا شید شده بود و قرار
بود که در مورد این معامله با
وزیر دفاع اسرائیل اسحاق

امپریالیستها برای ۵۵۵

از صفحه ۱۷

مشاوران مورتورکیه در زمینه "سیج عمرانی کم نظیر" پس از جنگ شده است. وزیر مزیوریه ما حیان صنایع و شرکتهای تجاری ترکیه اطمینان میدهد که زمینه برای سرمایه گذاریهای وسیع فراهم است و نباید مشکلات کوچک آنها را ناراحت کند و وعین همین برداشت را کشورهای دیگری چون آمریکا، ژاپن، آلمان غربی، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و دیگران نیز دارند آنها نیز علاوه بر سودهای هنگفتی که اکنون به جیب میزنند خود را برای سودهای کلان تری در شرایط خاتمه جنگ آماده کرده اند. سودهایی که انتظار دارند بدون دردسر نصیبشان گردد.

شدت ویرانیهای کنونی ناشی از جنگ و در نتیجه حجم سرمایه گذاریهای اقتصادی و عمرانی بعد از جنگ آنچنان وسیع است که

امپریالیستها امیدوارند بتوانند با توسل به سرمایه گذاری در این زمینه سرعت حرکت چرخهای اقتصاد دچار بحران و رکود خود را تا حدی شتاب بخشند و به این ترتیب بربخشی از بحران اقتصادی خود فائق آیند.

والیته سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی نیز بخوبی بر این موقعیت آگاهند و بهمین دلیل هم خامنه ای مزدور را علام کرده است که آن کشورهایی که با جمهوری اسلامی در شرایط کنونی روابط حسنه ای برقرار نکرده باشند در برنامه های نو سازی پس از جنگ جایی نخواهند داشت و به این وسیله گرچه ریاکارانه قصد دارند رژیم موجود را مستقل جلوه دهد، اما برواقیعتی انگشت میگذارد که همانا مورد تا کیست وزیر مشاور امور اقتصادی ترکیه قرار گرفته است.

بدون شک جمهوری اسلامی رژیمی است که خدمات بی شائبه و

فراموش نشدنی ای در حقیقت امپریالیستها انجام داده است. این رژیم به اعتبار فقر و فلاکت توده ها و به اعتبار استثمار کار و وحشیانه طبقه کارگر و وابستگی هر چه شدیدتر به امپریالیستها در طول هفت سال گذشته، علیرغم جا و جنجالهایش مبنی بر خودکفائی و عدم وابستگی " در اجرای سیاستهای امپریالیسم در ایران و منطقه از هیچ جنابتی روگردانی نکرده و با گامهای هر چه بزرگتری در تشدید وابستگی نظام موجود به امپریالیستها پیش رفته است. سیر رویدادها در چند سال اخیر بوجی همه شعارهای جمهوری اسلامی مبنی بر مبارزه بر علیه امپریالیستها و خودکفائی و استقلال را به اثبات رساننده است و بقول آن نماینده خائن مجلس شورای اسلامی شکم مردم ما شده است سوپرمارکت مواد غذایی

بقیه در صفحه ۲۶

با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکوشید با مکاتبه با نشریه رابطه هر چه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هواداران متکلی باشد.



گرامی بیاد ۲۹ آذر سالروز تولد رفیق حیدر عمو و قلی از پیشوایان جنبش

گفته‌ها و نکته‌ها

گنجشک کاشف

چهارشنبه ۱ مردادماه ۱۳۶۵
۱۵ دیقمده ۱۴۰۶ - شماره ۱۵۴

يك گنجشك باعث كشف ۴۵ جسد مربوط به شهداء

شد

دارند بطرف این پرنده حرکت میکنند و با کمال تعجب مشاهده میکنند که گنجشک نیک خود را مرتباً بزمین میمالد هنگامیکه رزمندگان اقدام به حفر زمین میکنند با اجساد چند شهید که در طول جنگ تحمیلی توسط قوای بعثی بشهادت رسیده و در تپه‌های اطراف مهران دفن شده‌اند مواجه میشوند.

گنجشک مزبور سپس بر روی تپه دیگری پرواز میکند و همان عمل را نیز تکرار میکند و رزمندگان که این پرنده را تعقیب میکردند تپه مزبور را حفر میکنند که با اجساد دیگری از شهدای جنگ تحمیلی مواجه میشوند عمل این گنجشک ۲۳ بار تکرار میشود و باین ترتیب ۴۵ جسد که قبلاً تصور میکردند مفقودالثر باشند کشف و شناسائی میشوند.

اهواز - خیرگزاری جمهوری اسلامی: يك گنجشك موجبات شناسائی اجساد ۴۵ تن از شهدای جنگ تحمیلی را در مهران فراهم کرد.

پس از آزادسازی شهر مهران هنگامیکه عده‌ای از رزمندگان در کنار تپه‌ای در حوالی این شهر مشغول استراحت بودند يك گنجشك در فاصله کمی از آنان بزمین نشست. نماینده جهاد سازندگی اهواز که خود شاهد این جریان بوده است به خیرنگار خیرگزاری جمهوری اسلامی گفت:

یکی از رزمندگان سنگریزه‌ای بطرف گنجشک پرتاب کرد لیکن گنجشک مزبور محل را ترک نمیکند در این لحظه رزمندگانی که حرکت گنجشک را زیر نظر

رژیم جمهوری اسلامی و مبلغینش در تخذیر اذهان توده‌ها و توهم پراکنی در بین عقب افتاده ترین اقشار اجتماعی بمنظور اینکه جنگ امپریالیستی ایران و عراق را جنگ اسلام و کفر جلوه دهند، از هیچ کوششی فروگذار نمیکنند و هر داستان و حدیثی را نیش قیبر کرده و از اعماق اعمار قرون دقایق نوس هرچرندی رایبخدمت میگیرند. زمانی پیرامون باصطلاح معجزه طوفان شن در طیس سرو صدا میکنند و گاهی ظاهر شدن قلایب "امام زمان" های رنگارنگ در جبهه های جنگ را بیاری میگیرند و موقعی نیز کلیسای بهشت میسازند و به گردنها میآویزند و تبلیغات راه میاندازند و آخرین ترفند در این زمینه نوشتن است در روزنامه رسالت درباره گنجشک کاشف که گویا همچون مین یا بیه "شهید" یابی میپرداخته، این ترفند نیز همان اهداف مورد مشابه خود را دنبال میکند، غافل از اینکه این تلاشهای ارتجاعی دیگر حتی عقب مانده ترین توده‌ها را نیز نمی فریبد بلکه همچون تف سربالائی است که بر چهره خود سردمداران جمهوری اسلامی برخواهد گشت.

"چهره دیگر آیت الله"

چهارشنبه ۱ مردادماه ۱۳۶۵
۱۵ دیقمده ۱۴۰۶ - شماره ۱۵۴

آیت الله مسلم ملکوتی که عضو هیئت مدیره "شرکت دفتر ماشین" است، همان کسی که نماینده امام در آذربایجان شرقی، امام جمعه تبریز و عضواً معه مدرسین حوزه علمیه قم نیز میباشد. همین مورد کوچک درباره آیت الله که در این آگهی انعکاس یافته، بخوبی واقعیت "مستکبران" آیت الله را بنمایش میگذارد، هرچند که او و امثالش همواره فریبکارانه چهره "مستضعف گرایان" خود را به رخ توده‌های محروم میکشند.

آگهی تغییرات شرکت دفتر ماشین با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۴۰۷۱۶ برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۶۵/۱/۳۰ آقای مرتضی سامی بست رئیس هیئت مدیره و آقای ابراهیم بلوردی، بست مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و آقای آیت الله ملکوتی بست عضو هیئت مدیره تعیین گردیده اند. /خ بوجه صورتجلسه هیات مدیره مورخه ۶۵/۲/۱ شرکت کلیه اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک و سفته و اسناد تهدا آوز با امضای مدیر عامل و یکی از اعضای هیات مدیره همراه با مهر شرکت اوراق عادی با امضای مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر است. م. الف ۱۰۹۹۷ اداره ثبت شرکتهای و مؤسسات غیر تجاری تهران

" هزاران هزار شهید ، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند ، بگذار درفش آنها را برافرازیم و
در راهی که با خون آنها سرخ شده است ، به پیش رویم !"
(ماثوتسه دون)



شهدای آذرماه چریکهای فدائی خلق ایران

- رفیق پرویز نصیرمسلم ۵۵/۹/۳
- رفیق زهرا آقاسی قلهکی ۵۵/۹/۲۹
- رفیق عبدالکریم اجیرائی ۶۰/۹/۳
- رفیق محمدحسین معینی ۶۰/۹/۳
- رفیق سیما دریائی ۶۰/۹/۸
- رفیق غلامرضا تالوردیان ۶۰/۹/۱۴
- چایچی ۶۰/۹/۱۴
- رفیق فریدون شافعی (کاک رحمن) ۶۰/۹/۲۶
- رفیق نیرطلوعی ۶۱/۹/



یادیدشمر که قهرمان چریکهای فدائی خلق رفیق شهید
فریدون شافعی (کاک رحمان) که در نبرد دلاورانه
با مزدوران امپریالیسم در کردستان بشهادت رسید
گرامی باد

روز شمار آذرماه

- ۲ آذر (۲۸ نوامبر ۱۸۲۰) سالروز تولد فردریش انگلس
- ۸ آذر (۲۹ نوامبر) روز جهانی همبستگی با خلق فلسطین
- ۱۱ آذر سالروز شهادت میرزا کوچک خان
- ۱۶ آذر روز دانشجو و روز شهادت دانشجویان قهرمان محدث قندچی، بزرگ نیا و شریعت رضوی
- ۱۶ آذر (۹ دسامبر ۱۹۰۵) قیام مسلحانه کارگران مسکو
- ۲۰ آذر (۲۱ دسامبر ۱۸۲۹) سالروز تولد رفیق استالین
- ۲۹ آذر سالروز تولد رفیق حیدر خراوغلی از پیشوایان جنبش کمونیستی در ایران

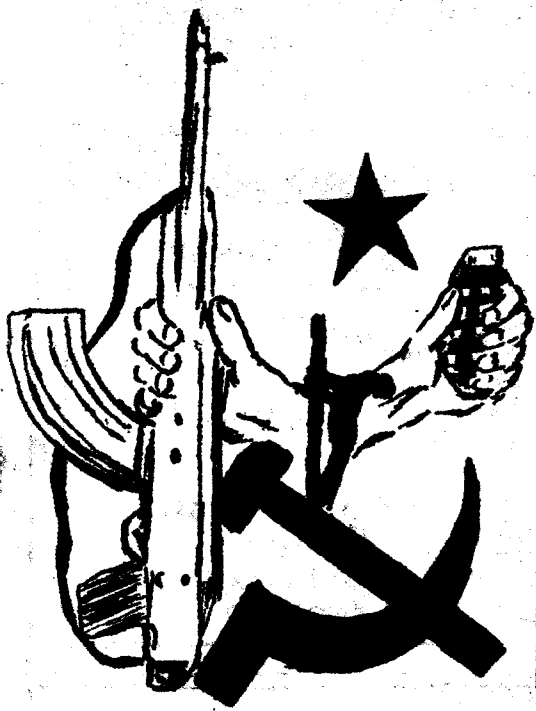
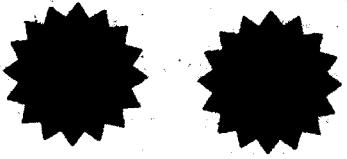
برای وصل ارتباط با سازمان
به پایگاه چریکهای فدائی
خلق ایران در کردستان
قهرمان مراجعه نمایند.

رفقای هوادار!

جاودان باد خاطره تنامی شهدای بخون خفته خلق

کمیته‌های مالی

۲۰۰ کرون	رفیق کتابی	۲۰۰ دلار	رفیق خسروپناهی تکزاس
۱۰۰ کرون	رفیق کمال	۴۰۰ دلار	جریک فدائی رزمت پیروز هوستن
۱۰۰ کرون	رفیق روح‌انگیزدهقانی	۱۵۰ دلار	مجید فولادپور نیومکزیکو
۱۰۰ کرون	رفیق بهروزدهقانی	۱۲۵ دلار	سمینار شیکاگو اوهایو
۱۰۰ کرون	رفیق وریا	۵۰ دلار	چ لایاک
۲۰۰ کرون	رفیق همایون کتیراشی	۲۵ دلار	پ ساندیاکو
۱۵۰ کرون	رفیق شهاب	۳۳۰ دلار	رادبو دیترویت
۱۵۰ کرون	رفیق مختار رشیک نژاد	۱۲۵ دلار	سمینار شیکاگو
۲۰۰ کرون	رفیق پویان	۲۵ دلار	امید آستن
۱۵۰ کرون	رفیق کمال	۱۳ دلار	ایران کارولینای شمالی
MARIT	500	۲۰۰ دلار	سازمان سراسری دالاس
	فرانسه	۱۲۵ دلار	مریم کیانی اوهایو
	—	۵۷ دلار	آر-ت-اس آستن
	رفیق شیرین فضیلت کلام مقداری	۲۵ دلار	زندائی سیاسی آستن
	دارو	۱۲۰ دلار	رفیق میرهادی کابلی اوهایو
	رفیق مهدی فضیلت کلام	۵۰ فرانک	پیام فدائی نیومکزیکو
			سواند
			—
		۱۵۰ کرون	رفیق عبدالحسین عنابی
		۲۰۰ کرون	رفیق حشمت
		۲۵۰ کرون	رفیق کلاله
		۳۵۰ کرون	رفیق کاوه
		۳۰ دلار	رفیق مهنازنجاری هوستن
		۱۳۰ دلار	مرتضی پداج اوهایو
		۱۰ دلار	رفیق سعید رحیم صبوری دنور



جنگ و نقش آمریکا و اسرائیل
 از صفحه ۴
 آن تحلیل برحقایق استوار بوده و از بطن واقعیات بیرون آمده است. پس وظیفه شماست که همه‌انظوره که در پیام رفیق اشرف مطرح شده است به توده‌ها نشان دهید که "چگونه صهیونیستها و با مصلح ضد صهیونیستها، آمریکاها و با مصلح ضد آمریکا ثیها و خلاصه امپریالیستها و با مصلح ضد امپریالیستها همه دست در دست یکدیگر گذاشته اند تا جنگی مورت بگیرد که حاصلش برای خلق ما همین باشد که آنها خود بسا دگسی شاهانند. ویرانی، فلاکت اقتصادی و از همه بدتر قربانی شدن جوانان کشور".

خلقهای قهرمان ایران!
 با شناخت ما هیت امپریالیستی جنگ وظیفه شماست که بر علیه این جنگ ویرانگر بپا خیزید و بیست و دو ساله جنگ عادلانه بر علیه امپریالیسم و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که سالهاست در میهن ما جاری است بپیوندید. تنها جنگی که شما باید در آن شرکت کنید همانا جنگ بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش برای استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگرمیباشد، پس با تمام توان به این جنگ بپیوندید.

امپریالیستها برای غارت هرچه بیشتر خلق ما دندانها را تیز کرده‌اند



۷ آذر (۲۸ نوامبر ۱۸۲۰)

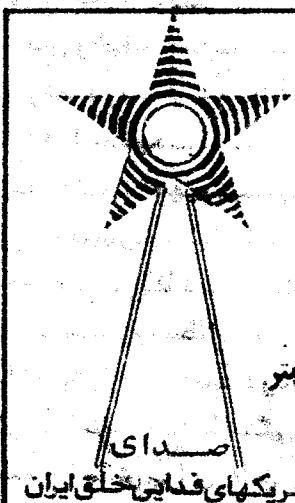
صدوشصت و ششمین سالروز تولد
فردریک انگلس، اندیشمند
بزرگ پرولتاریا و بنیانگذار
فراموش‌نشده‌ی کمونیسم این علم
شرایط رهاشی طبقه‌کارگر
گرامی بسازد

"با پایان گرفتن جنگ، ایران
بسیج عمرانی کم نظیری را برای
بازسازی کشور آغاز خواهد کرد"
این عنوان مطلبی است که
روزنامه اطلاعات سه شنبه اول
مهرماه ۶۵ به نقل از "مصطفی
تیناز" وزیر مشاور در امور
اقتصادی ترکیه درگروه هم آبی
ماجرای شرکت‌های تجاری ترکیه
نقل نموده است. این مطلب،
بخودی خودتمیز می‌تواند تا آنجا
چندان با شد چرا که پس از جنگی
مسئله بازسازی مناطق و منابع
ویران شده، تا حدود مشخصی مطرح
میکرد. اما اگر جنگ کنونی
ایران و عراق و رابطه این جنگ
با منافع امپریالیستها را در نظر
بگیریم آنوقت مطلب عنوان شده

از سوی وزیر مشاور در امور اقتصادی
ترکیه، اهمیت واقعی خود را نشان
خواهد داد و روشن خواهد شد که چگونه
امپریالیستها و توکراتشان برای
غارت هرچه بیشتر منابع ملی و
دستورخ خلق ما، دندانها را تیز
کرده‌اند.
ما توکرات و نشریات گذشته
ما زمان خاطر نشان کرده ایم که
اصولا این جنگ در جهت منافع
امپریالیستها و بخواه حفظ و ادامه
همین منافع است که شروع گردیده
و ادامه دارد. از "برکات" این
جنگ در زمینه‌های داخلی و
بین‌المللی میتوان مسائل زیر
را به اختصار برشمرد.
در زمینه داخلی: سرکوب
بقیه در صفحه ۱۶

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید



ساعات پخش
۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد
امواج کوتاه
رئیف‌های ۴۱ و ۷۵ متر

صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران
با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:



انگلستان فرانسه
F. S.
B. P.-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE
BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر!